



وزارت آموزش پرورش
سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی
دفتر انتشارات و فناوری آموزشی

آموزشی ابتداری

رشد

فرصت کارجمعی

ماهنامه‌ی آموزشی، تحلیلی و اطلاع‌رسانی
برای آموزگاران، دانشجویان معلمان و کارشناسان وزارت آموزش و پرورش
دوره‌ی بیست و ششم | دی ۱۴۰۱ | شماره‌ی پی‌درپی ۲۰۹ | صفحه ۴۸
www.roshdmag.ir



آنانه بیخوردن آری ایول گئیف خلغف واری آسماء گئیف زغفف واری
ایچال گئیف نیسغ واری آلازوی گئیف بیخک واری آسما آت هانگر

سوره مبارکه فاتحه آیات ۱۷-۲۱

آنا آنان به شعر نی گزندی که چگونه آزییده شده است!!
و به آسمان کی چگونه بر او ایسته شده!!
و به کوه ها کی چگونه در جای خود نیسب گردیده!!
و به زمین که چگونه گسترده و هموار گشته است!!
بس کند کی ده کی تو فقط آند کردیمه ایا

آموزشی ابتدایی

رشد

۴

ماهنامه‌ی آموزشی، تحلیلی و اطلاع رسانی
برای آموزگاران، دانشجو معلمان و کارشناسان وزارت آموزش و پرورش
دوره‌ی بیست و ششم | دی ۱۴۰۱ | شماره‌ی بی‌دری ۲۰۹ | ۴۸ صفحه
www.roshdmag.ir

خانواده‌ی مجلات رشد همه‌ی تلاش خود را
کرده است تا این مجله در دسترس عموم جامعه‌ی
تربیتی کشور قرار گیرد و همه‌ی مخاطبان در میهن
عزیز اسلامی‌مان امکان تهیه‌ی آن را داشته باشند.

قیمت ۷۵۰۰۰ ریال

وزارت آموزش و پرورش
سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی
دفتر انتشارات و فناوری آموزشی



فهرست

- ۲ **یوم ما** | مهدی رضایی
- ۳ **تقویم** | مهدی رضایی
- ۶ **ستاره‌های طلایی از خودگذشتگی** | مریم شهرآبادی
- ۸ **رویکرد آموزش و یادگیری همه‌ساختی** | کامیار قهرمانی فرد
- ۱۰ **دید و بازدید** | مسلم امیری
- ۱۲ **تنفس آموزشی** | مرضیه عرب‌زاده
- ۱۴ **موفقیت‌های آموزشی در گر و تعامل معلمان** | زهرا نصیری
- ۱۶ **بهبود مهارت‌های کلامی آموزگاران** | محمدحسن بهروزیان
- ۱۸ **جای خالی بازی در آموزش** | محدثه همتی
- ۲۲ **کوچک مشاور** | سارا سلیمی نمین، آمنه سلیمی نمین
- ۲۴ **کینه‌ورزی و راهکارهایی برای بخشش** | معصومه کیانی
- ۲۶ **آموزگار سبید دانش‌آموز** | فاطمه رهبری
- ۲۸ **طرح درس** | محمد سبحانی
- ۳۲ **داستان تصویری** | مرتضی شمس‌آبادی
- ۳۴ **پنج‌رهی روابط در کلاس درس** | مرتضی فاضل
- ۴۰ **تلنگر نقش معلم** | یوسف بابازاده
- ۴۲ **کاغذتایی (اوربگامی) ساخت خانه** | آزاده فرزادپور
- ۴۴ **مختصات طراحی** | سعیده مشکینی
- ۴۶ **همراه با مجلات رشد** (کودنویز و دانش‌آموز) | محمدرضا رشیدی
- ۴۸ **صحنه‌ی زندگی** | اعظم لاریجانی



استان‌های مشارکت‌کننده در این شماره



اللهم صل علی محمد و آل محمد و عجل فرجه



برگه نظر سنجی



برگه اشتراک مجله



مدیر مسئول: محمد صالح مذنبی

سرمدبیر: مهدی رضایی

شورای برنامه‌ریزی: احمدرضا اعلائی، دکتر فاطمه وجدانی،
زینت اروچی، نفیسه نجفی قدسی، امیر ذوقی، محمد سبحانی

مدیر داخلی: مریم شهرآبادی

ویراستار: زهرا نظام‌الدینی

مدیر هنری: کوروش پارسا‌نژاد

طراح گرافیک: وحیدحقی

دبیر عکس: اعظم لاریجانی

نشانی دفتر مجله: تهران، ایرانشهر شمالی، پلاک ۲۷۰

تلفن: ۸۸۸۳۹۱۷۸ - ۰۲۱

۸۸۸۳۱۱۶۱ - ۰۲۱ (داخلی ۵۱۱)

نمبر: ۸۸۳۰۱۴۷۸ - ۰۲۱

وبگاه: www.roshdmag.ir

پیام‌رسان شاد: @roshdmag

رایانامه: ebtedayi@roshdmag.ir

چاپ و توزیع: شرکت افست

صندوق پستی امور مشترکین: ۱۵۸۷۵/۳۳۳۱

تلفن امور مشترکین: ۸۸۸۶۷۳۰۸ - ۰۲۱

قابل توجه نویسندگان و مترجمان

مقاله‌ای که برای درج در مجله می‌فرستید:

- با اهداف و رویکردهای آموزشی - تربیتی و فرهنگی این مجله مرتبط باشد.
- قبلاً در جای دیگری چاپ نشده باشد.
- در حد ۸۰۰ کلمه و خلاصه‌ای علمی - آموزشی باشد.
- در قالب «ورد» و از طریق پیام‌نگار و راه‌های ارتباطی مجله فرستاده شود.
- روان و از نظر دستور زبان فارسی درست باشد.
- محل قرارگرفتن جدول، شکل و عکس در متن مشخص شود.
- چکیده داشته باشد یا هدف‌ها و پیام نوشتار در چند سطر تنظیم شود.
- معرفی‌نامه‌ی کوتاهی از نویسنده یا مترجم، عنوان و آثار وی بیوست شود.
- اگر ترجمه است، متن اصلی نیز همراه آن باشد.
- لازم به ذکر است:
- مجله در رد، قبول، ویرایش و تلخیص مقاله‌ی رسیده مختار است.
- آرای مندرج در مقاله ضرورتاً تأیید رأی و نظر مسئولان مجله نیست.



مهدی رضایی
سر دبیر

ای خدایی که به جز تو ملک‌العرش ندانم
به جز از نام تو نامی نه بر آید به زبانم
به جز از دین و صنعت نبود عادت چشمم
به جز از گفتن حمدت نبود ورد زبانم

سنایی

در سرمقاله‌ی شماره‌ی اول گفتیم که در رشد آموزش ابتدایی، «یادگیری جمعی» از اهداف محتوای ارائه شده است. حال که به نیمه‌ی سال تحصیلی رسیده‌ایم، در این شماره نگاهی خواهیم داشت به فرصت‌هایی که در محیط اطرافمان برای یادگیری وجود دارند. بدین منظور زمینه‌ی موجود در تمامی مدرسه‌ها را بررسی کردیم: اول، تعامل بین همکاران محترم و دوم، طرح برنامه‌ی ویژه‌ی مدرسه یا طرح «بوم».

اتاق معلم‌ها همیشه جایی است که خاطرات زیادی از آن داریم. این مکان فقط جایی به‌منظور استراحت و آمادگی ذهنی برای کلاس بعدی نیست، بلکه به نظر بنده صحبت‌های بین همکاران بزرگ‌ترین آورده‌ی این اتاق به‌ظاهر ساده است. صحبت‌هایی که فرصت تعامل، شناخت، ارتباط‌گیری و استفاده از تجربه‌های متعدد را فراهم می‌کند. بارها پیش آمده است که ایده‌ای را از همین صحبت‌ها گرفته‌ایم و در کلاس اجرا کرده‌ایم. همین‌طور برای مدیران مدرسه هم پیش آمده است که با چند دقیقه حضور در این فضا، با واقعیات و مشکلات آشنا شده‌اند و دغدغه‌های خود را به ما منتقل کرده‌اند. راستش خودم هر بار که تصمیم می‌گیرم کمتر چای بخورم، به‌لطف اتاق معلم‌ها دوباره چای خور می‌شوم!

همچنین، طرح بوم با هدف استفاده‌ی مدرسه‌ها از ظرفیت‌های بومی اجرا می‌شود و محلی برای بروز استعداد‌های همکاران و فرصت‌های محلی است که در برنامه‌ی درسی مدون جایی نداشته‌اند. برنامه‌ی ویژه‌ی مدرسه یعنی برنامه‌ریزی درسی، در سطح مدرسه، در کنار برنامه‌های تجویزی که مدرسه‌ها مجری آن‌ها هستند، در این برنامه مدرسه‌ها اختیار دارند تا خودشان شصت ساعت در سال، بر اساس نیازهای محلی و بومی، برنامه‌ی درسی تولید و اجرا کنند؛ لذا این برنامه، برنامه‌ی درسی غیر تجویزی است.

از این دو منظر ذکر شده، با تجربه‌هایی روبه‌رو شدیم که در عین سادگی بسیار خلاقانه‌اند و قابلیت ایده‌گرفتن برای اجرا در دیگر مدرسه‌ها را دارند. در این شماره تجربه‌ی برخی همکاران از تعاملشان با این طرح را بیان کرده‌ایم. به همین مناسبت مجدداً از شما همکاران گرامی خواهشمندیم تجربه‌های موفق خود را، به‌ویژه در طرح بوم، برای دفتر مجله بفرستید تا در شماره‌های بعدی بتوانیم از آن‌ها استفاده کنیم.

بوم ما!



۱۳ دی؛
سالروز شهادت سردار حاج قاسم سلیمانی



شهید قاسم سلیمانی فرزند فاطمه و حسن سلیمانی، در سال ۱۳۳۷، در روستای قنات ملک از توابع شهرستان رابر کرمان در خانواده‌ای کشاورز و مذهبی به دنیا آمد. پدر و مادر وی از عشایر طایفه سلیمانی هستند. اجدادشان از عشایر خمسه‌ای فارس بودند که هم‌زمان با لشکرکشی نادرشاه افشار، به افغانستان و هندوستان، به یاری نادر می‌شتابند. در راه برگشت از جنگ در منطقه‌ای که اکنون طایفه سلیمانی ساکن‌اند، سکنی می‌گزینند و بین مناطق گرمسیر و سردسیر جنوب و غرب استان کرمان کوچ می‌کنند. حسن سلیمانی علی‌رغم ضعف بنیه‌ی اقتصادی در دوران طاغوت و بعد از آن، هیچ‌گاه لقمه‌ی شبهه‌ناک در سفره نگذاشت و غیر از قاسم دو پسر و دو دختر دیگر نیز داشت. شهید حاج قاسم سلیمانی، با به تعبیر بچه‌ها «عمو قاسم»، بسیار بین مردم ایران محبوب است. تشییع با عظمت و تاریخی پیکر ایشان نشانی از اوج این محبوبیت است.

به‌بهانه‌ی شهادت شهید سلیمانی با یکی از کتاب‌هایی که در مورد ایشان و با مخاطب کودک و نوجوان تألیف شده است آشنا می‌شویم: نویسنده‌ی کتاب **عمو قاسم** بیست داستان را به‌شکل هدفمند انتخاب کرده و کوشیده است با هر داستان، مخاطب را با یک زاویه از شخصیت حاج قاسم آشنا کند. نگارنده برای نهادینه‌سازی پیام هر داستان تمرینی را ذیل آن طراحی کرده است تا مخاطب را به تفکر وا دارد و الگوگیری از سردار را در او نهادینه کند. تصویرسازی جداگانه برای هر داستان بر جذابیت کتاب افزوده است. در آخر کتاب نیز پرسشنامه‌ای از همه‌ی کتاب طراحی شده است.

گزیده‌ای از متن کتاب عمو قاسم:

«وقتی سردار سلیمانی شهید شد. همه از دست آمریکا عصبانی شدند. بزرگ‌ترها گفتند:

ما همه قاسم سلیمانی هستیم. کوچک‌ترها هم آرزو کردند که روزی سردار سلیمانی بشوند. اما یک سؤال! سردار سلیمانی شدن یعنی چه؟ به نظرتان اگر همه بخوانند مثل حاج قاسم، افسر نظامی بشوند و بروند با دشمن بجنگند، تکلیف زندگی‌مان چه می‌شود؟ چه کسی باید به دانش‌آموزان درس بدهد؟ چه کسی باید بیماران را درمان کند؟ چه کسی باید کشاورزی کند؟ چه کسی باید برایمان خانه بسازد؟ چه کسی باید راننده‌ی تاکسی شود؟ برای سردار سلیمانی شدن نیازی نیست حتماً نظامی شویم. برای اینکه مثل قاسم سلیمانی بشویم، باید اخلاق‌ها و رفتارهای او را یاد بگیریم و سعی کنیم همیشه مثل او رفتار کنیم.» (جبری، ۱۳۹۹)



۶ دی؛ شهادت حضرت فاطمه‌ی زهرا(س)

به مناسبت شهادت بانوی دو عالم، حضرت فاطمه‌ی زهرا(س)، و برای بیان منزلت و مقام ایشان به ذکر نقلی از امام خمینی(ره) در این باره اکتفا می‌کنیم: «من راجع به حضرت صدیقه(س) خودم را قاصر می‌دانم که ذکر می‌کنم، فقط اکتفا می‌کنم به یک روایت که در کافی شریف است و با سند معتبر نقل شده است. حضرت صادق(ع) می‌فرماید: فاطمه(س) بعد از پدرش ۷۵ روز زنده بودند و حزن و شدت بر ایشان غلبه داشت و جبرئیل امین می‌آمد خدمت ایشان و به ایشان تعزیت عرض می‌کرد و مسائلی از آینده نقل می‌کرد. ظاهر روایت این است که در این ۷۵ روز مرآوده‌ای بوده؛ یعنی رفت‌وآمد جبرئیل زیاد بوده است و گمان ندارم که غیر از طبقه‌ی اول از انبیای عظام درباره‌ی کس [دیگری] این طور وارد شده باشد. در ظرف ۷۵ روز جبرئیل امین [با ایشان] رفت‌وآمد داشته ... و آنچه در آتیه به ذریه‌ی او می‌رسیده است، ذکر کرده و حضرت امیر آن‌ها را نوشته است. ... مسئله‌ی آمدن جبرئیل برای کسی یک مسئله‌ی ساده نیست. خیال نشود که جبرئیل برای هر کسی می‌آید و امکان دارد بیاید. [برای این موضوع] یک تناسب لازم است بین روح آن کسی که جبرئیل [نزد او] می‌خواهد بیاید و مقام جبرئیل که روح اعظم است. ... این تناسب [فقط] بین جبرئیل که روح اعظم است و انبیای درجه‌ی اول بوده است؛ مثل رسول خدا(ص) و موسی(ع) و عیسی(ع) و ابراهیم(ع) و امثال این‌ها. بین همه کس نبوده است. در هر صورت، من این شرافت و فضیلت را از همه‌ی فضایی که برای حضرت زهرا(س) ذکر کرده‌اند، با اینکه آن‌ها هم فضایل بزرگی است، بالاتر می‌دانم. ... این از فضایی است که از مختصات حضرت صدیقه(س) است.» (صحیفه‌ی امام، ج ۲۰، ص ۶)

۲۰ دی؛

شهادت امیر کبیر به دستور ناصرالدین شاه

امیر کبیر در سال ۱۱۸۶ در اراک متولد شد. نام اصلی او میرزا تقی‌خان فراهانی و نام پدرش کربلایی قربان است. خانواده‌ی پدری و مادری میرزا تقی‌خان از طبقه‌ی پیشه‌ور بودند. پدر او از آشپزهای دربار قائم‌مقام اول، خاندان بزرگ قریه‌ی مهرآباد، بود و مادر او که فاطمه‌سلطان نام داشت، دختر استاد شاه‌محمد بنا از اهالی فراهان بود.

پدر امیر کبیر، به اقتضای شغلش، در خانه‌ی قائم‌مقام اول زندگی می‌کرد. از این رو میرزا تقی‌خان بین خانواده‌ی قائم‌مقام تربیت شد. امیر کبیر از همان کودکی و نوجوانی‌اش به گونه‌ای رفتار می‌کرد که نشان از هوش بسیار او داشت. بنابراین در جوانی قائم‌مقام فراهانی به او سمت منشی‌گری خود را داد.

او در دوره‌ی ناصرالدین شاه صدراعظم ایران شد و از آنجا لقب «امیر کبیر» به او داده شد. همچنین در آن دوره با عزت‌الدوله، خواهر ناصرالدین شاه، ازدواج کرد.

امیر کبیر چند روز بعد از انتصاب صدراعظمی، فعالیت‌های خود را آغاز کرد و به مدت سه سال و سه ماه صدراعظم دربار ناصرالدین شاه بود که در این دوره فعالیت‌های فراوانی در زمینه‌ی سیاسی و اجتماعی برای حکومت انجام داد. او مدرسه‌ی دارالفنون را تأسیس کرد و همچنین پایه‌گذار روزنامه‌ی وقایع/تفلیقه بود.

اقدامات مهم دیگری که امیر کبیر در دوره‌ی خود انجام داد، عبارت بودند از:

- برقراری نظم در حکومت؛
- از بین بردن رشوه‌خواری در حکومت؛
- براندازی رسم قمه‌کشی؛
- تأسیس اداره‌ی آگاهی؛
- تأسیس بیمارستان و مایه‌کوبی اجباری آبله؛
- تأسیس کارخانه‌های پارچه‌بافی، شکرریزی، چینی و بلورسازی، کاغذسازی و چدن‌ریزی؛
- سروسامان دادن به خزانه‌ی مملکت و قطع حقوق بسیاری از درباریان و وابستگان آن‌ها؛



۲۳ دی؛ ولادت حضرت فاطمه‌ی

زهرا (س) و روز مادر

«مادر شهید سلیمانی بیمار شده بود و او را به بیمارستان برده بودند. سردار شب برای دیدن مادرش به بیمارستان رفت. بعد به اطرافیان گفت: همه بروید خانه. امشب خودم کنار مادرم می‌مانم. سردار آن شب تا صبح کنار مادرش ماند. ... او پشت سر هم پاهای مادرش را می‌بوسید و به چشم‌هایش می‌کشید. فردا هم که می‌خواست به سوریه برود، مقداری پول به راننده‌اش داد و گفت: من باید به سوریه بروم و با دشمن‌ها بجنگم. خواهش می‌کنم از امروز تا وقتی مادرم اینجاست به جای من روزی سه بار آب میوه‌ی تازه بگیر و برایش ببر.» (جابری، ۱۳۹۹)

اگر فلاطن و سقراط بوده‌اند بزرگ بزرگ بوده پرستار خردی ایشان به گاهواره‌ی مادر به کودکی بس خفت سپس به مکتب حکمت حکیم شد لقمان چه پهلوان و چه سالک چه زاهد و چه فقیه شدند یک‌سره شاگرد این دبیرستان حدیث مهر کجا خواند طفل بی‌مادر نظام و امن کجا یافت ملک بی‌سلطان همیشه دختر امروز مادر فرداست ز مادرست میسر بزرگی پسران پروین اعصابی

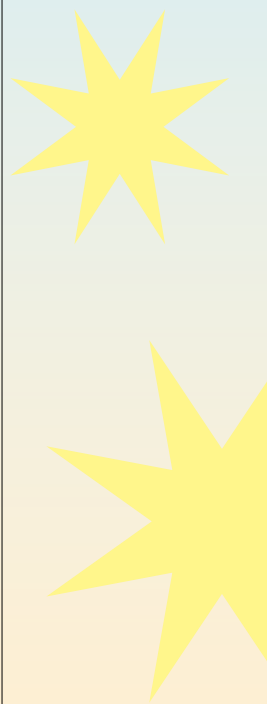


بنابراین به منظور برکناری او دست به توطئه زدند و برای او دسیسه‌چینی کردند. آن‌ها تهمت زدند که امیرکبیر داعیه‌ی سلطنت دارد. تحریک‌های مادر شاه و اطرافیان باعث ترس و وهم شاه شد. از این‌رو، ناصرالدین شاه، در روز ۱۹ محرم ۱۲۶۷ هجری قمری، امیرکبیر را از مقام صدراعظمی برکنار و به کاشان تبعید کرد. چهار روز بعد، میرزا آقاخان نوری به مقام صدراعظمی منصوب شد.

زمانی که امیرکبیر به کاشان تبعید شد، باز هم درباریان می‌ترسیدند ناصرالدین شاه او را بیخشد و امیرکبیر دوباره به قدرت برسد. در این صورت باز هم منافع آن‌ها در حکومت و دربار به خطر می‌افتاد. این موضوع باعث نگرانی آن‌ها شده بود. از این‌رو، تلاش‌های فراوان کردند تا حکم قتل امیرکبیر را از ناصرالدین شاه گرفتند و سرانجام امیرکبیر در روز ۲۰ دی ۱۲۳۰ در حمام فین کاشان با بریده شدن رگ دست‌هایش به شهادت رسید. کالبد امیرکبیر را ابتدا در همان کاشان دفن کردند. به روایت میرزا محمدجعفرخان، حقایق‌نگار خورموجی، در کتاب مشهور حقایق‌الاحبار ناصری، روز بعد از شهادت، جسدش را در گورستان «بشت مشهد» کاشان به خاک سپردند. چند ماه بعد، به اصرار همسرش عزت‌الدوله کالبد امیرکبیر را به کربلا حمل کردند و در اتاقی که در آن به‌سوی صحن امام حسین (ع) باز می‌شود به خاک سپردند.

- فرستادن صنعتگر به روسیه و مقابله‌ی صنعتی با روسیه توسط دست‌توانای استادکاران اصفهانی؛
- براندازی رسم شکنجه و واگذاری محاکم شرع به علمای صالح؛
- راهاندازی میدان توپخانه و عمارت آن و همچنین سبزه‌میدان تهران؛
- فرستادن ایرانیان به خارج برای تحصیلات و تدریس در ایران؛
- استخدام استادان خارجی و تصمیم به جایگزینی آن‌ها با ایرانیان؛
- پایه‌گذاری چاپخانه برای مرسولات پستی؛
- کوتاه کردن دست خارجی‌ها در امور کشور؛
- توسعه‌ی تجارت داخلی و خارجی؛
- اصلاح امور مالی و تعدیل بودجه؛
- ترویج ترجمه و انتشار کتاب‌های علمی؛
- ترویج ساده‌نویسی و لغو القاب؛
- مرمت ابنیه‌ی تاریخی؛
- بسط کشاورزی و آبیاری.

برکناری امیرکبیر از مقام صدراعظمی
 از آنجایی که اقدامات و فعالیت‌های امیرکبیر منفعت برخی از درباریان را به خطر می‌انداخت، بسیاری از درباریان با او و اقداماتش مخالف بودند. این افراد تعدادی از نزدیکان شاه از جمله مهد علیا، مادر شاه، اعتمادالدوله و میرزا آقاخان نوری بودند.



ستاره‌های طلایی از خودگذشتگی



مریم شهرآبادی
کارشناس آموزش ابتدایی

در جنوب استان فارس، ۱۸ کیلومتری شهر لار، روستای کورده با مدیر جوان و توانمندی به نام آقای «علیرضا اندیشمند» متولد ۱۳۶۸ آشنا شدیم. وی فارغ‌التحصیل کارشناسی ارشد تکنولوژی آموزشی، مؤلف کتاب و مدرس کشوری ریاضی، مدرس دوره‌های ضمن خدمت و سرگروه سابق پایه‌ی ششم ابتدایی شهرستان لارستان، گرافیست و خوش‌نویس است و از سال ۱۳۹۱، تدریس را در روستای زاهد محمود لارستان آغاز کرده است. علیرضا اندیشمند تدریس چندپایه، تدریس تک‌پایه‌ی شهر و روستا، مدیر آموزشی، معاونت و مدیریت را نیز در کارنامه‌ی خود دارد. تدریس در دانشگاه فرهنگیان هم از دیگر فعالیت‌هایش بوده که به دلیل مشغله‌ی کاری پس از مدیر شدن رها شده است. وی در حال حاضر مدیر دبستان ابدی روستای کورده است که زادگاه اوست. او امید دارد انگیزه‌ی کافی برای ادامه‌ی تحصیل را پیدا کند و این موضوع را جزو برنامه‌های آینده‌ی خود گذارده است.

■ شما در دبیرستان تیزهوشان در رشته‌ی ریاضی و فیزیک درس خوانده‌اید، چرا شغل معلمی را انتخاب کردید؟

در زندگی همه‌ی ما، انسان‌هایی وجود دارند که کلام و نگاهشان به زندگی مان جهت می‌دهد. از توفیقات من نیز در دوران تحصیل داشتن چنین معلمان متخصص و متعهدی بود که کلامشان برای من زمزمه‌ی محبت بود. آشنایی با این استادها و مشاهده‌ی تأثیراتشان بر تغییر مسیر زندگی انسان‌ها من را به دنیای معلمی علاقه‌مند کرد. بنابراین علی‌رغم اینکه در دبیرستان رشته‌ی ریاضی می‌خواندم؛ به علاقه‌ی دیرینه‌ی خود برگشتم و در اولویت اول انتخاب رشته، دانشگاه فرهنگیان را انتخاب کردم.

■ مدرسه‌ی شما چند دانش‌آموز دارد و چطور با وجود سن کم، مدیر مدرسه شده‌اید؟

وجود روستاهای زیاد و پراکنده و همچنین وجود معلمان غیربومی در این منطقه سبب شده است تا آموزش و پرورش برای بازدهی بیشتر





فعالیت‌های آقای اندیشمند
(زمان آموزش گاری)

است. به سراغ دومین سال تدریس در روستای زاهد محمود و قصه‌ی «ستاره‌ای برای از خود گذشتگی» می‌روم.

در یک مدرسه‌ی چندپایه‌ی روستایی، آموزگار کلاس چهارم و ششم بودم. دانش‌آموزان کلاس چهارم، شش دختر و یک پسر بودند. در این کلاس دختر شیرین‌زبان و باهوشی به اسم شکلیلا داشتیم که پدرش از اتباع افغانستان بود. هیچ مدرک هویتی برای صدور مدارک تحصیلی رسمی شکلیلا وجود نداشت و این دانش‌آموز با همکاری مدیر و معلم‌ها به‌صورت آزاد درس می‌خواند. مدرسه‌ی ما دستگاه تکثیر نداشت و من به کمک کاربن و چند بار نوشتن، با فشار زیاد خودکار، برگه‌های آزمون را برای امتحان بچه‌ها آماده می‌کردم. همین موضوع باعث می‌شد گاهی دیرتر به مدرسه برسم. یکی از این روزها وقتی به مدرسه آمدم متوجه شدم کارتنی پر از دفتر برای توزیع بین دانش‌آموزان فرستاده شده است. مدیر در حال توزیع دفترها بین دانش‌آموزان بود. از مدیر پرسیدم: به بچه‌های کلاس من هم دفتر داده‌اید؟ گفت: بله. پرسیدم: به شکلیلا چطور؟ گفت: نه، چون ایشان دانش‌آموز آزاد است و سهمیه ندارد.

این حرف مدیر خیلی مرا ناراحت کرد. به این فکر می‌کردم که به یقین در روحیه‌ی او تأثیر منفی خواهد داشت. به سمت کلاس رفتم. وارد کلاس شدم. با بچه‌ها احوال‌پرسی کردم و روی صندلی نشستم.

روی نیمکت‌ها پر از دفتر بود. آن دفترها آزارم می‌دادند و در ذهنم به خرید دفتر برای شکلیلا فکر می‌کردم. یکی از دخترهای کلاس دست بلند کرد و گفت: آقا ما امروز یک کار خوب کردیم. منتظر بودم بگویم مثلاً کلاس را جارو زدیم یا میز را تمیز کردیم و... اما گفت: به شکلیلا دفتر ندادند، ما هر کدام یکی از دفترهایمان را به او دادیم.

نگاهم به شکلیلا و دفترها و لبخند معصومانه‌اش افتاد. برای تشویق بچه‌ها برای هر دانش‌آموز یک مقوای رنگی به شکل بادکنک به دیوار زده بودم که بعد از هر عملکرد مثبت یک ستاره در رنگ‌های قرمز، آبی یا سبز، برایشان می‌چسباند. هیچ‌وقت ستاره‌ی طلایی را به کسی نمی‌دادم و به مزاح می‌گفتم: ستاره‌ی طلایی به کسی داده می‌شود که خیلی کولاک کرده باشد. آن روز بعد از تأیید و تشویق کارشان، گفتم: به‌خاطر این کار زیباییاتن مستحق بالاترین تشویق هستید. ستاره‌ی طلایی را برای همه‌ی شاگردانم در بلدکنکشان چسباند.

روش‌های خلاقانه و با ایده‌گرفتن از معلمان باتجربه، آموزشی ملموس و جذاب داشته باشم. در مدیریت مدرسه نیز مهم‌ترین عامل موفقیت یک مدیر، حاصل ارتباط مؤثر مدیر با معاونان، معلمان، دانش‌آموزان، انجمن اولیا و سایر اعضای مؤثر بر فرایند داخل مدرسه است. یک مدیر نمی‌تواند تنها با اتکا به قوانین، مدرسه‌ای موفق به وجود آورد. داشتن مدرسه‌ی موفق، یک تیم هم‌دل و همراه می‌خواهد. مدیر می‌تواند با ایجاد انگیزه و تعلق خاطر در همکاران برنامه‌های منسجم و همه‌جانبه را برای مدرسه‌ای متعالی برنامه‌ریزی و عملیاتی کند. موفقیت‌های سال‌های اخیر این دبستان نیز حاصل همین رویکرد و تلاش تیمی این مجموعه بوده است.

یکی دیگر از فعالیت‌های ما استفاده از فناوری روز است؛ مثلاً ما با مشارکت کارکنان مدرسه، تصویرهای چندقسمتی طراحی می‌کنیم یا تکه‌فیلم‌های (کلیپ‌های) تدوین‌شده از فعالیت‌های مدرسه که به‌صورت گزارشگری دانش‌آموزان و در قالب خبری است تهیه می‌کنیم و از طریق فضای مجازی و کانال‌های اطلاع‌رسانی مدرسه باز نشر می‌دهیم. اولیا و مسئولان از این کار بسیار استقبال می‌کنند.

■ از نحوه‌ی مدیریتتان راضی هستید؟

هر معلم یا مدیر در سال‌های اولیه، به دلیل کم‌تجربگی، خطاها و اشتباهاتی دارد که من هم از این موضوع مستثنی نیستم. به‌مرور با کسب تجربه‌ی بیشتر، اشتباهات کمتر می‌شود. در بحث تدریس هم در این سال‌ها نسبت به سال‌های ابتدای خدمت‌م راضی‌ترم. سال‌های قبل برای تدریس وقت خیلی زیادی می‌گذاشتم؛ اما از خروجی کلاس رضایت نداشتم. اکنون بعد از یک دهه تدریس وقتی به مبحثی می‌روم، بهتر از آن سال‌ها می‌دانم که این مبحث به چه پیش‌آموزشی نیاز دارد یا می‌فهمم چطور درس را به زندگی روزمره‌ی دانش‌آموز ارتباط دهم یا با چه مثال یا فعالیتی مفهوم را برای بچه‌ها آسان کنم یا چطور بچه‌ها را با موضوع درگیر کنم و... مطمئنم ده سال بعد نیز این حس را به الانم خواهیم داشت و بی‌تردید با تجربه‌تر خواهیم شد.

■ اگر خاطره‌ای از زمان تدریس یا مدیریتتان دارید بفرمایید؟

دنیای معلمی آن هم در روستاهای کم‌برخوردار پر از خاطرات تلخ و شیرین است. انتخاب یک خاطره از آن همه لحظات ناب کار دشواری

از مدیران بومی استفاده کند. علاوه بر این موضوع، روند کاری من این‌گونه بود که در هر سال تحصیلی برای اشتراک تجربه‌هایم با دیگر معلمان، گزارش مصوری از فعالیت‌هایم در کلاس و مدرسه تهیه می‌کردم و در وب‌نوشت شخصی‌ام قرار می‌دادم. در پایان سال هم کتابچه‌ی مصوری از آن فعالیت‌ها را چاپ می‌کردم و برای معاون آموزش ابتدایی شهرستان می‌فرستادم. پس از مشاهده‌ی عملکردم در دو سال اول تدریس، اعتمادشان را برای سپردن مدیریت مدرسه جلب کردم و توانستم در سومین سال تدریس مدیرآموزگار شوم. پس از مدیریت در مدرسه‌های چند روستا، در حال حاضر چهار سال است که مدیر مدرسه‌ی عابدی در روستای کورده هستم. این مدرسه در حال حاضر حدود ۲۳۰ دانش‌آموز دارد.

■ ارتباط شما با دانش‌آموزان چطور است و کار با آن‌ها را چگونه می‌بینید؟

اگر با علاقه و انگیزه با به وادی تعلیم و تربیت گذاشته باشیم، فضای کلاس و مدرسه دنیای شیرینی خواهد بود. هنر ارتباط مؤثر معلم با شاگردان یکی از اساسی‌ترین نیازهای فرایند تعلیم و تربیت است. اگر معلم نتواند برای بچه‌ها شخصیتی دوست‌داشتنی داشته باشد و نتواند بچه‌ها را به خود علاقه‌مند کند، نمی‌تواند در تدریس موفق باشد. ارتباط من هم با بچه‌ها در سال‌های تدریس با همین رویکرد بوده است. خیلی دوستانه و صمیمی رفتار می‌کنم تا با من راحت باشند. سعی می‌کنم کلاس را برایشان جذاب کنم تا آن‌ها با علاقه در کلاس حاضر شوند. این ارتباط نه‌فقط در طی سال تحصیلی است، بلکه بعد از گذشت چند سال همچنان ادامه دارد. من هنوز با دانش‌آموزانم که دیگر با من نیستند، ارتباطی دوستانه دارم و هر از گاهی با آن‌ها به طبیعت‌گردی و کوه‌پیمایی می‌روم. در عین حال رعایت حدود در ارتباط معلم و دانش‌آموز نیز باید مدنظر قرار گرفته شود. با بالا رفتن تجربه و سابقه، بیشتر بر این موضوع اشراف پیدا خواهیم کرد که چگونه رفتار کنیم تا در بستر ارتباط دوستانه و به‌دور از فشار روانی، شاگردی منظم و منضبط بار آید و از معلم نیز حساب ببرد.

■ در زمان تدریس یا مدیریت از روش و ایده‌ی خاصی استفاده می‌کنید؟

من در درس‌های متعدد تلاش کرده‌ام با

آموزشی
دی‌ماه
دوره‌ی بیست و ششم
شماره‌ی ۴ | ۱۴۰۱



رویکرد آموزش و یادگیری همه‌ساحتی

(راهکار اجرایی شدن سند تحول بنیادین آموزش و پرورش در مقیاس کلاس درس ابتدایی)

رویکرد خود در مقابل رویکردهای سنتی، خطی و سطحی صرفاً آموزشی و حافظه‌محور، نه رویکردهای تربیتی مهارت‌محور، قرار دارد.

باید اذعان کرد که اجرایی شدن سند تحول بنیادین در مقیاس مدرسه و کلاس درس با درج‌زدن در کارهای نظری در سطح کلان ستادی و تدوین زیرنظام‌ها، زیرسندها، بسته‌های تحولی، سیاست‌ها و برنامه‌ها و همچنین برگزاری همایش‌ها، سمینارها و دوره‌های آموزشی صرف محقق نمی‌شود؛ بلکه این آموزگاران حرفه‌ای تمام‌ساحتی هستند که می‌توانند مختصات و مؤلفه‌های چنین رویکردی را بر گرفته از سند، با اصول و شرایط حاکم بر آن و از طریق روش‌هایی هنرمندانه در مقیاس کلاس درس و در تعامل با دانش‌آموزان عملی کنند.

در این راستا، در یادداشت حاضر به تبیین چگونگی رویکرد آموزش و یادگیری همه‌ساحتی در کلاس‌های درس دوره‌ی ابتدایی می‌پردازم که با اندکی تأمل و بازاندیشی، از پیش از دبستان تا دبیرستان، هم قابلیت اجرا دارد. همچنین به مختصات و اصول و شرایط آن رویکرد، همراه با تکه‌هایی از انطباق و پیوند تلفیقی ساحت‌ها، در فرآیندهای (سناریوی) تدریس نیز اشاره می‌کنم.

مختصات رویکرد آموزش و یادگیری همه‌ساحتی

۱. در این رویکرد، تسلط آموزگار و کاربست و عمل آموزشی و تربیتی‌اش، مبتنی بر پارادایم نوین تربیتی، با مشخصه‌های عینی‌بودن، نوآورانه‌بودن، فعال‌بودن، اثربخش‌بودن، بازی‌واربودن و فراگیرمحوربودن ضروری است. این مشخصه‌ها برگرفته از رویکردهای سازنده‌گرایانه، تلفیقی، بین‌رشته‌ای، زمینه‌ای، فراشناختی و... هستند. به عبارت دیگر، آموزگار در ورود به کلاس درس، از همان ابتدا، نباید به سراغ کتاب درسی و آموزش مستقیم همه‌ی محتوای موضوع، اعم از نشانه‌ها/ کلمه‌ی «آب» در درس فارسی، برود و همچون روش‌های سنتی، اصرار به حفظ و تکرار آن از سوی دانش‌آموزان داشته

کامیار قهرمانی فرد

دکترای مدیریت آموزشی، معاون آموزش ابتدایی

آموزش و پرورش آذربایجان شرقی



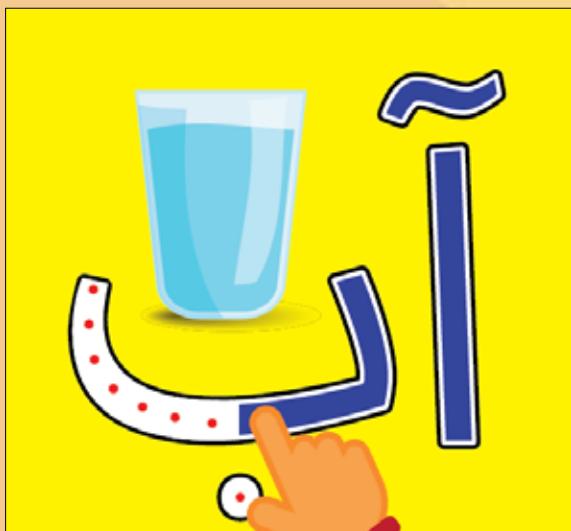
با توجه به دغدغه‌ی بالای اجرای سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، با اولویت‌بخشی گفتمان‌سازی التزام به اجرای عملی سند تحول بنیادین و پیگیری تحقق تربیت همه‌ساحتی در مقیاس مدرسه و کلاس درس، در مدرسه‌های ابتدایی استان آذربایجان شرقی، بر آن شدم مثالی از فرآیندهای (سناریوی) آموزش تمام‌ساحتی حول موضوع درسی «آب» ذکر کنم. مختصات آموزش و یادگیری همه‌ساحتی مفاهیم و موضوعات درسی، مختصری از الگوی شیوه‌ی آموزش و یادگیری تمام‌ساحتی درس‌ها و محتوای مواد درسی‌ای که آموزگاران حرفه‌ای تمام‌ساحتی ارائه می‌کنند، موضوعاتی هستند که در این گفتار به آن‌ها می‌پردازیم.

بدون تردید نقطه‌ی ثقل اجرای سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، اجرای عملی سند، در رده‌ی عملیاتی کلاس درس و مدرسه، برای تحقق تربیت همه‌ساحتی مبتنی بر ساحت‌های شش‌گانه‌ی تربیتی است. ساحت‌هایی که برگرفته از مبانی نظری سند آن هم از دوره‌ی پیش از دبستان و دبستان و در قالب‌های شناختی، نگرشی و مهارتی دانش‌آموزان، از سنین پایه، و از طریق آموزش و یادگیری همه‌ساحتی است. این

آموزش
ابتدایی

دی‌ماه

دوره‌ی بیست و ششم
شماره‌ی ۴ | ۱۴۰۱





موقعیت‌های یاددهی و یادگیری باشد؛ یعنی این پیوند، چنانچه گفته شد، قبل و حین و بعد از ورود آموزگار به کلاس، قبل و حین و پس از تدریس، طراحی آموزشی و تدریس، تعیین اهداف، ایجاد انگیزه و آمادگی، آموزش و تدریس، تعیین و به‌کارگیری ابزارها و رسانه‌ها، تعریف موقعیت‌ها، انجام فرایندها، تعیین تکالیف، ارزشیابی و پایان کلاس را باید در بر بگیرد، نه صرفاً در مرحله‌ی طراحی آموزشی و تعیین اهداف باشد یا فقط در مرحله‌ی آموزش و تدریس از روی طرح‌درس مدنظر قرار بگیرد و بقیه‌ی زمان و فعالیت کلاس از رویکرد تک‌ساختی پیروی کند.

۲. در رویکرد آموزش و یادگیری تمام‌ساختی لازم است پیوندهای تمام‌ساختی موضوعات و محتوای درسی بر اساس این موارد ایجاد شود و توسعه یابد:

- الف) اهداف آموزشی موضوع و به تناسب اهداف ساختی دوره‌ی تحصیلی ابتدایی (مصوب شورای عالی آموزش و پرورش)؛
- ب) حوزه‌های تربیت و یادگیری سند برنامه‌ی درسی ملی؛
- ج) پیشینه و زمینه‌ی موضوع؛
- د) اهمیت، کارکردها، آثار و پیامدهای اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، تربیتی، سیاسی و رسانه‌ای موضوع؛
- ه) کاربرد در زندگی واقعی روزانه.

این توسعه باید در راستای تعمیق و جامعیت‌بخشی به اکتشاف و درک عمیق رخ دهد. همچنین باید شروع به ساختن دانش و کسب نگرش و تبلور رفتاری کند که در نتیجه‌ی آموزش تمام‌ساختی در کلاس درس و یادگیری عمیق و معنادار برای دانش‌آموزان ایجاد می‌شود.

۴. از دیگر مختصات این رویکرد، گام تکمیلی است که منجر به تحقق تربیت تمام‌ساختی می‌شود. این گام همانا پیوندهای فراساختی است که به‌منظور پرورش و کسب مهارت‌های زندگی، مهارت‌های زبانی، مهارت‌های اجتماعی و ارتباطی و شهروندی ایجاد می‌شود. از این رهگذر دانش‌آموزان به این موارد نیز دست می‌یابند:

- الف) سوادهای چندگانه‌ی کاربردی.
- ب) توانایی حل مسئله با هدف کاربرد آموخته‌های مدرسه‌ای در عمل و قابلیت حل مسائل همه‌جانبه‌ی زندگی واقعی.
- ج) داشتن انگیزه و روحیه‌ی کنش‌گری در زندگی فردی و اجتماعی.

در چنین حالتی می‌توان ادعای تحقق نسبی یادگیری تمام‌ساختی دانش‌آموزان را داشت. لازم است آموزگار به تعریف موقعیت یادگیری فراکلاسی / فرامدرسه‌ای مشابه با شرایط و وقایع و محیط زندگی واقعی دانش‌آموزان اقدام کند. همچنین تکالیفی را از نوع کاربردی و مهارت‌محور تعیین کند و ضمن ارزشیابی میزان آموخته‌ها و کسب مهارت‌ها به رصد وضعیت تحقق تربیت تمام‌ساختی با اجرای دقیق و صحیح ارزشیابی کیفی و توصیفی و با توجه به تفاوت‌های فردی و جامعیت یادگیری تمام‌ساختی بپردازد.

ادامه‌ی این مطلب را در شماره‌های آینده مطالعه کنید.

باشد؛ بلکه نخست، باید با جریان‌سازی تربیتی همه‌ساختی، ایجاد چالش‌های کلاسی و ارائه‌ی پیش‌سازمان‌دهنده‌ها موضوع را به‌صورت غیرمستقیم و مجهول‌وار بیان کند. طرح موضوع نیز باید با زبان و رفتار کودکانه و با استفاده از بخش فیلم، تصویر، بازی، نمایش، قصه و سایر ابزارها و محتوای جذاب پیش رود تا دانش‌آموزان ضمن برانگیختگی و مواجهه با ابهامات و چالش‌ها و سؤال‌های فردی و گروهی و پس از کنکاش و تکاپو به‌نوعی درگیر روش اکتشاف گروهی، گفت‌وگوی جمعی، بارش افکار و... شوند. آن‌ها باید خودشان با تلاش خویشتن پی به مفهوم «آب» ببرند، به واژه و مفهوم موردنظر توجه کنند و آن را در خاطر بسپارند. بدین ترتیب هر کدام با بازنمایی درونی و تفسیر شخصی در ذهن خود تعریف و توصیف تجربی خود از آب را داشته باشند و دانش آن را در خزانه‌ی یادگیری تثبیت کنند.

۲. لازمه‌ی تربیت تمام‌ساختی، در این رویکرد، پیوند دادن همه‌ی فعالیت‌های کلاسی معلم و دانش‌آموزان به موضوعاتی کاربردی و واقعی حول مفهوم یا مفاهیم موردنظر است. این پیوند از قبل، حین و بعد از ورود آموزگار و در قبل و حین و پس از تدریس تا جمع‌بندی و خروجش از کلاس را شامل می‌شود. این پیوند همچنین باید به‌صورت انگیزشی و با تکیه بر دانش، نگرش، توانش، کنش حرفه‌ای و به‌کارگیری و تعمیم سوادهای کاربردی و انواع روش‌ها و مهارت‌های حرفه‌ای معلمی همچون زبان کودکانه، بازی، قصه، هنر و... صورت بگیرد. استفاده از محتواها و ابزارهای آموزشی و چندرسانه‌ای همچون فیلم، عکس، صدا و... نیز در این زمینه یاری‌رسان است. استفاده از این ابزارها علاوه بر سنجش و جهت‌دهی رفتارهای ورودی و انعکاس پیش‌سازمان‌دهنده در طرح‌واره‌های ذهنی فراگیران، به‌نوعی در فضای گروهی دانش‌آموزان انگیزه‌بخش است و باعث آمادگی برای یادگیری و جذب عمیق موضوع نیز خواهد شد. البته به تناسب موضوع و محتوا و مواد درسی، این موارد نیز مفید خواهند بود: استفاده از مناسبت‌های تقویم و رویدادهای محیطی و رسانه‌ای، استفاده از تاریخ تولد هر کدام از بچه‌ها، پیوند دادن موضوع درسی به وقایع تربیتی روزانه و محیطی، معرفی موقعیتی جدید و بیان یک قصه و داستان.

بار دیگر تأکید می‌کنم که موضوع پیوند دادن ساخت‌ها و تلفیق باید در تمام فعالیت‌های آموزشی و تربیتی در محیط و

دید و بازدید

نقدی بر روش سنتی باز دیدهای

کلاسی مدرسه‌های ابتدایی

دکتر مسلم امیری، مشاور مدرسه‌های جوانرود

میدوبسی، سرگروه آموزشی مدرسه‌های ابتدایی جوانرود

معلمان به منظور ارتقای کارکردهای شناختی و عاطفی دانش‌آموزان و اجرای برنامه‌های آموزشی و تربیتی تدوین شده در کلاس‌های درس، نیاز به فضایی امن و به دور از تنش دارند. علاوه بر آن، داشتن کلاسی آرام و فضایی مثبت برای دانش‌آموزان نیز نگرشی را ایجاد می‌کند تا بتوانند خودپنداره‌ی تحصیلی و آموزشی‌شان شکوفایی را در خود به وجود آورند و در سایه‌ی آن، پیشرفت تحصیلی و زندگی اجتماعی خود را تضمین کنند. در این نوشتار کوتاه که حاصل مطالعات تطبیقی و بر اساس سند تحول بنیادین آموزش و پرورش است، سعی بر این است که تأثیر باز دیدهای مرسوم و سنتی راهبران، کارشناسان و سرگروه‌های آموزشی بر کیفیت یادگیری فراگیران و انگیزش شغلی و آموزشی معلمان دوره‌ی ابتدایی بررسی و راهکار ارائه شود.

کلیدواژه‌ها: باز دید کلاسی، یادگیری، آموزش.

معضلی به نام باز دید

در سال‌های اخیر، حرکتی جهانی در میان محققان و سیاست‌گذاران شروع شده است که هدف آن، مطالعه‌ی عوامل مؤثر در ساخت نظام آموزشی کارآمد، با توجه به مفهوم حرفه‌ای ارتقای معلمان و اجرای اصلاحات، در نظام آموزش و پرورش است. نتایج پژوهش‌ها ظهور ابعاد جدیدی را از مفهوم تدریس معلم در اجرای این اصلاحات آموزشی نشان می‌دهند. گزارش‌های تحقیقاتی حاکی از آن است که انجام تحقیقات طولی و تمرکز غیرمستقیم بر کلاس درس و دوری از حضورهای غیرقابل پیش‌بینی و مستقیم، به‌عنوان باز دید از کلاس‌ها، حتی می‌تواند به دولت‌ها در زمینه‌ی موفقیت در بهبود عملکرد مدرسه‌ها کمک کند. به نظر می‌رسد با حذف باز دیدهای حضوری و کاربرد سبک غیرمستقیم نظارتی مناسب، انگیزش درونی معلمان افزایش می‌یابد، مشارکت کلاسی بیشتر می‌شود و سطح پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان بالاتر می‌رود. متأسفانه در این بین، در نظام آموزشی سنتی کشورمان، حضور راهبران آموزشی، باز دیدهای اعضای گروه‌های آموزشی، نظارت‌های غیرعلمی کارشناسان مرتبط و غیرمرتبط آموزشی و اداری از کلاس‌های درس، به‌خصوص در دوره‌ی ابتدایی، تقریباً به معضلی روزانه یا هفتگی برای آموزگاران ابتدایی تبدیل شده است. این اقدام غیرعلمی که در حال حاضر به گواهی مطالعات آموزش و پرورش تطبیقی می‌توان به جرئت گفت که در بیشتر نظام‌های آموزشی کشورهای پیشرفته‌ی جهان بدین شیوه و روش که در ایران اجرا می‌شود وجود ندارد، به موتوری برای کاهش انگیزش شغلی معلمان، دخالت در سبک مدیریت کلاس درس، ایجاد فشار روانی در معلم و دانش‌آموز و معضلات آشکار و پنهان دیگری در آموزش و پرورش کشور تبدیل شده است. از ویژگی‌های بارز برنامه‌ی نظارت و راهنمایی جدید در کشورهای پیشرفته، برخلاف روش‌های قدیمی، این است که معلم اصلاً زیر ذره‌بین قرار نمی‌گیرد؛ بلکه فقط برنامه‌ها، فرایندها، شرایط یادگیری، ابزارها و تسهیلات و... است که تجزیه و تحلیل می‌شوند. بر این اساس حتی وضعیت دانش‌آموزان در خارج از مدرسه نیز مورد بررسی قرار می‌گیرد.





راهکارها و پیشنهادها

دیدگاه کلی این است که راهنمایان و راهبران آموزشی، به منظور اصلاح وضع آموزشی موجود، باید با معلمان و به کمک آنان فعالیت کنند و از طریق همکاری حرفه‌ای سعی در ارتقای کیفیت عملکرد و رفع مسائل و مشکلات آنان داشته باشند؛ نه اینکه با حضورهای ناگهانی و منفعلانه در کلاس درس، اهمیت فعالیت‌های آموزشی را زیر سؤال ببرند. بنابراین قبل از هر چیز به راهبران آموزشی و سرگروه‌ها و افراد آموزشی بازدیدکننده از کلاس‌های درس پیشنهاد می‌شود از روش سنتی ارزشیابی از فراگیران در کلاس و انتخاب چند دانش آموز و پرسش چند سؤال، برای سنجش سطح یادگیری، فاصله بگیرند و به جای آن با اعتماد کامل به معلمان این مرز و بوم و با عنایت به استقرار نظام ارزشیابی توصیفی و با علم به پایه‌های تخصصی و جوانب این شیوه‌ی نوین، راهکارهایی را که در ادامه بیان می‌شوند، مدنظر قرار دهند و اجرا کنند:

- مطالعه‌ی ضمنی و مختصر اطلاعات فردی و خانوادگی و درسی دانش آموزان، توسط بازدیدکنندگان دائمی، به منظور جلوگیری از اتفاقات نادرست و ناخواسته‌ی عاطفی و درسی برای فراگیران در کلاس‌های درس.
- بررسی پوشه‌ی کارهای دانش آموزان و موارد گردآوری شده در آن‌ها.
- اجرای آزمون‌های کتبی از قبل اطلاع‌رسانی شده در مباحث درسی، به جای حضور اتفاقی و ناگهانی در کلاس درس.
- انتخاب دانش آموزان فعال و دارای انگیزه و با توانایی علمی بهتر توسط معلم و هماهنگ با وی در هنگام بازدید، به جای انتخاب ناآگاهانه و نادرست دانش آموزان.
- توجه به اصول و مبانی ارزشیابی توصیفی؛ مانند پیش‌نیازهای یادگیری مطالب درسی و سطح علمی گذشته‌ی فراگیرانی که مورد سؤال قرار می‌گیرند.
- بررسی و تجزیه و تحلیل مطالب درسی و آموزشی و مشکلات تدریس معلمان، به جای بررسی و تحلیل یادگیری فراگیران.
- استفاده از تقویت‌کننده‌های مثبت مادی و معنوی.
- پرهیز از برخوردهای گزینشی، خشک و نظامی‌مآبانه با معلمان.
- انتخاب راهبران و سرگروه‌های آموزشی از میان نیروها و معلمان با انگیزه و دارای مدارک علمی بالا و مرتبط با آموزش ابتدایی.
- توجه به درس‌هایی مانند هنر، تربیت‌بدنی، قرآن و پرورشی به جای تأکید صرف بر درس‌هایی مانند ریاضیات و فارسی در بازدیدهای آموزشی.
- رصد و پیگیری واقعی پیشرفت‌ها و کمبودها در عمل، به جای تهیه‌ی گزارش‌ها و صورت‌جلسات مصور.
- توجه به اصول تغذیه‌ای، بهداشتی، مالی و حتی ظاهری دانش آموزان و تنظیم انتظارات بر اساس واقعیت‌ها.
- اعتماد به معلم و ایمان واقعی به زحمات آنان علی‌رغم وجود تنگناها و مشکلات مالی و معیشتی.

تنفس آموزشی



مرضیه عربزاده
آموزگار پایه‌ی ششم ابتدایی

باعث ایجاد اعتمادبه‌نفس و شایستگی بدنی در انجام فعالیت‌های جسمانی و حرکتی در محیط‌های گوناگون می‌شود و یکی از عوامل زیربنایی در کیفیت فعالیت‌های بدنی کودکان است.

سال گذشته سواد حرکتی یکی از برنامه‌های ویژه‌ی مدرسه‌ی ما بوده است و من با توجه به شرایط موجود و در مسیر فرهنگ‌سازی سبک زندگی فعال و سالم با اجرای طرح «تنفس آموزشی»، در کلاس و زنگ تفریح، بر آن شدم گاهی هر چند کوچک در این راستا بردارم. در ادامه نمونه‌هایی از فعالیت‌های انجام‌شده را بیان می‌کنم.

حرکت بین گوش و بینی

این یک چالش سریع و آسان برای تنظیم مجدد مغز است. به کودکان آموزش دهید با دست راست خود گوش چپ خود را لمس و در عین حال با دست چپ بینی خود را لمس کنند. سپس از آن‌ها بخواهید دست‌های خود را عوض کنند و با دست

امروزه با تغییر سبک زندگی، افزایش شهرنشینی و آپارتمان‌نشینی و همچنین ورود ابزارهای صنعتی و مدرن شاهد کاهش فعالیت‌های حرکتی در جامعه هستیم. با شروع بیماری کرونا این مسئله بیشتر هم شده است که متأسفانه پیامدهای بسیاری به دنبال دارد. بنابراین انتخاب سبک زندگی فعال باید به‌صورت فرهنگ از همان اوان کودکی و با آموزش در نظام تعلیم و تربیت دانش‌آموزان به‌عنوان یک اصل با معیارهای صحیح نهادینه شود. توسعه‌ی سواد دانش‌آموزان یکی از رسالت‌های مهم آموزش و پرورش است که به ابعاد گوناگونی مانند سواد خواندن و نوشتن، سواد رسانه‌ای، سواد اجتماعی و ... می‌پردازد و یکی از ابعاد مهم آن ارتقای سواد حرکتی است. سواد حرکتی دانشی است که





قابلمه را هم بزیند

از بچه‌ها بخواهید تصور کنند در مقابل یک قابلمه‌ی بزرگ ایستاده‌اند. داخل قابلمه آتش قرار دارد. یک هم‌زن بزرگ را بگیرند و آن را در ته قابلمه بچرخانند. به آرامی در جهت عقربه‌های ساعت شروع به هم زدن کنند. از دانش‌آموزان بخواهید از تمام بدن خود برای کمک به داشتن دامنه‌ی کامل حرکت در مچ دست و شانه استفاده کنند. بعد از یک یا دو دقیقه، جهت را برعکس کنند.

مهم‌ترین و کاربردی‌ترین مهارت برای شکل‌گیری سواد حرکتی، در رده‌ی سنی ۸ الی ۱۰ سال، انجام فعالیت‌های بنیادی پریدن، تعادل و هوازی است. توسعه‌ی این نوع مهارت‌ها به وسیله‌ی بازی و مسابقه‌های سرگرم‌کننده امکان‌پذیر است. جالب است بدانید انجام فعالیت‌های بنیادی، در رده‌ی سنی ۸ الی ۱۰ سال، در تناسب اندام نقش بسزایی دارد.

علاوه بر این، مناسب‌ترین دوره برای یادگیری و تقویت مهارت‌های حرکتی تا سن ۱۴ سالگی است. برای تقویت مهارت‌های حرکتی می‌توانید کودک را برای حضور در محیط‌های سرگرم‌کننده تشویق کنید و وی را برای انجام ورزش‌های بسکتبال، کاراته، چمپورزی (ژیمناستیک)، هندبال، بدمینتون، تنیس و والیبال آماده سازید.

یک انگشت، سپس دو انگشت و به ترتیب سه و چهار انگشت و سپس تمام دست خود را روی میز بکوبند تا زمانی که همه‌ی شما احساس کنید در وسط سیل هستید. با فروکش کردن طوفان، از پنج انگشت شروع و به یک انگشت به سمت عقب حرکت کنید.

از استاد یوم الهام بگیرید (موج)

فعالیت «موج» از انتهای یک‌سوی اتاق شروع می‌شود. بدین‌گونه که بچه‌ها می‌ایستند و بازوهایشان را بالای سر می‌اندازند و در حین بازگشت به صندلی‌هایشان، آن‌ها را پایین می‌آورند. این عمل در هر ردیف دنبال می‌شود تا به انتهای دیگر اتاق برسند. کودکان را تشویق کنید خودشان به پاها یا به دستان خودشان به گونه‌ای ضربه بزنند که در حرکت دائمی باشند. این کار موجب تقویت دست و پایشان می‌شود.

روی صدا تمرکز کنید

از بچه‌ها بخواهید آرام باچشمان بسته بنشینند. زنگی را به صدا در آورید. از آن‌ها بخواهید با دقت به صدای زنگ گوش دهند، لرزش را در بدن خود احساس کنند که با صدا طنین‌انداز می‌شود. سپس به آرامی محو می‌شود. به آن‌ها بگویید در حالی که روی صدا تمرکز می‌کنند، به آرامی و عمیق نفس بکشند.

چپ خود گوش راست و با دست راست بینی خود را لمس کنند. سپس چند بار به جلو و عقب بروند. بعد از آن، از آن‌ها بخواهید چشمان خود را ببندند، نفس عمیقی بکشند و همه‌ی آن کارها را دوباره انجام دهند. یا به جای جلو و عقب، بازی «بشین و پاشو» را بکنند و هنگام نشستن عمل دم و هنگام بلندشدن عمل بازدم را انجام بدهند.

فقط بپر

گاهی اوقات بچه‌ها فقط نیاز به تخلیه‌ی انرژی دارند. از آن‌ها بخواهید وانمود کنند که در حال پریدن روی یک جستانک (مینی ترامپولین) هستند. این کار باعث می‌شود حرکت آن‌ها به جای حرکت در سراسر اتاق در یک صفحه‌ی عمودی حفظ شود. چند دقیقه به آن‌ها فرصت دهید تا رها شوند.

استراحت‌های مغزی برای بچه‌ها (کشش)

این هرگز ایده‌ی خوبی نیست که زمان زیادی را صرف نشستن در یک وضعیت کنید. به بچه‌ها اجازه دهید استراحت کنند و کمی انعطاف‌پذیری را به ستون فقرات خود بازگردانند.

باران را بیارن

یک طوفان باران را تداعی کنید. با نشستن یا ایستادن پشت میز از بچه‌ها بخواهید که

در گفت و گو با جمعی از
معلمان مقطع ابتدایی مطرح شد:

موفقیت‌های آموزشی در گرو تعامل معلمان

دانش‌آموزان این مقطع ظرافت‌ها و حساسیت‌های روحی خاصی دارند. از طرفی بیشتر این مشکلات با توجه و درایت معلم و همکاری اولیای دانش‌آموز تا حد زیادی در دوران ابتدایی مرتفع می‌شود. همچنین در سنین بالاتر، دانش‌آموز شناخت بیشتری از وضعیت جسمی و روحی خود پیدا می‌کند. از این رو، آنچه سرنوشت و آینده‌ی کودک را رقم می‌زند، درک صحیح معلم از شرایط جسمی و روحی اوست. با توجه به اینکه موضوع ذکر شده، موضوعی به غایت مهم اما تا حد زیادی مغفول است، با چند تن از معلمان مقطع ابتدایی، پیرامون این موضوع، به گفت و گو پرداخته‌ایم که در ادامه می‌خوانید.

تعامل معلمان با یکدیگر موفقیت‌های آموزشی را پایدارتر می‌کند

خانم حسینی، معلم پایه‌ی اول ابتدایی، با تأکید بر اینکه تعامل معلمان با یکدیگر موفقیت‌های آموزشی را پایدارتر می‌کند، می‌افزاید: «در صورتی که این تعامل وجود نداشته باشد، نه تنها زحمات معلم‌های پایه‌های قبل به ثمر نمی‌رسد، بلکه احتمال ایجاد آسیب در دانش‌آموزان، به‌ویژه دانش‌آموزان با شرایط خاص، وجود دارد.»

وی به یکی از تجربه‌های خود اشاره می‌کند و می‌گوید: «در یکی از سال‌های تدریس، در پایه‌ی اول ابتدایی، دانش‌آموزی داشتم که در همان هفته‌ی اول، به مشکل خاص او پی بردم. او

زهرا نصیری

آموزگار پایه‌ی ششم ابتدایی، استان زنجان



نظام آموزشی کشور در سال‌های اخیر تغییراتی را به خود دیده است. به تبع آن تغییرات، روش‌های تدریس نیز تغییر یافته و روش‌های سنتی تدریس و کلاس‌داری جای خود را به روش‌های نوین داده است. یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های روش‌های نوین، تعامل دانش‌آموزان در فرایند یادگیری است. البته باید توجه داشت که این موضوع، هم در آموزش حضوری و هم در آموزش مجازی، حائز اهمیت است.

آنچه گفته شد اصلی کلی برای تدریس به همهی دانش‌آموزان در شرایط ایده‌آل است؛ اما به اذعان معلمانی که سال‌ها تجربه‌ی تدریس با روش‌های نوین را دارند، برخی از دانش‌آموزان به دلیل وضعیت خاص جسمی، ذهنی و حتی اخلاقی، در عین حال که در کنار سایر دانش‌آموزان به تحصیل می‌پردازند و بر اساس روش‌های نوین تدریس آموزش می‌بینند، به شرایط خاصی نیاز دارند تا یادگیری صحیح در آن‌ها اتفاق بیفتد. برای این منظور لازم است معلم به برخی نکات ظریف توجه ویژه‌ای داشته باشد. برخی از این نکات عبارت‌اند از: روشی که چنین دانش‌آموزانی به‌وسیله‌ی آن می‌توانند به درک مطلوب از درس برسند، توانایی دانش‌آموز در انجام تکالیف، محل نشستن دانش‌آموز در کلاس، تمرین‌های ویژه‌ای که باعث مرتفع یا کم‌رنگ‌شدن مشکل خاص آن‌ها می‌شود، نوع تکلیف متفاوتی که این دانش‌آموزان باید دریافت کنند و برخورد مناسب معلم با این دانش‌آموزان با توجه به مشکلی که دارند.

در این میان نکته‌ی اساسی آن است که برای دریافت نتیجه‌ی مطلوب از این روش آموزشی، به‌ویژه در رابطه با دانش‌آموزانی که وضعیتی خاص دارند، آنچه اهمیت ویژه‌ای دارد، تعامل و تبادل اطلاعات درباره‌ی دانش‌آموزان در میان معلمان پایه‌های گوناگون است تا اطلاعات لازم درباره‌ی هر دانش‌آموز به معلم سال آینده منتقل شود و او بتواند با درکی درست از شرایط دانش‌آموزانش به تربیت و آموزش در کلاس درس بپردازد.

البته ناگفته نپساید که اهمیت این موضوع در میان دانش‌آموزان مقطع ابتدایی برجسته‌تر است؛ چراکه



آب‌نویسی
ابتدایی

دی‌ماه
دوره‌ی بیست و ششم
شماره‌ی ۴ | ۱۴۰۱

۱۴

تحمل فضای شلوغ و سروصدای زیاد را نداشت و وقتی که در چنین شرایطی قرار می‌گرفت، تعادل روحی خود را از دست می‌داد و شروع می‌کرد به دادزدن.»

حسینی ادامه می‌دهد: «با دیدن این شرایط، در روزهای اول، فرض را بر این گذاشتم که چون برای اولین بار فضای مدرسه را تجربه می‌کند، دست به چنین کاری می‌زند و دادزدن‌هایش ارادی است؛ اما طولی نکشید که متوجه شدم این حالت برای او کاملاً غیرارادی است و او نمی‌تواند محیط پرسروصدا را تحمل کند. وقتی موضوع را با اولیایش در میان گذاشتم، آن‌ها تشخیص مرا تأیید کردند.»

وی می‌گوید: «در طول سال تحصیلی، همه‌ی توانم را برای آرامش کلاس و آرامش آن دانش‌آموز که اتفاقاً توانایی بالایی در درک مفاهیم درسی داشت، به کار گرفتم. او با سطح خیلی خوبی پایه‌ی اول را پشت سر گذاشت؛ اما سال بعد، به دلیل نقل مکان خانواده‌اش، او هم به مدرسه‌ی دیگری منتقل شد. متأسفانه مطلع شدم که معلم پایه‌ی دوم نتوانسته بود شرایط او را تشخیص دهد. به همین دلیل مشکلات زیادی برای این دانش‌آموز به وجود آمده بود تا جایی که خواستند آن کودک را به مدرسه‌ای خاص معرفی کنند، در حالی که به نظر من او می‌توانست همه‌ی پایه‌ها را در کنار دانش‌آموزان عادی سپری کند، به شرط آنکه در میان

معلمان تعامل لازم وجود داشت و اطلاعات لازم درباره‌ی آن کودک به معلم پایه‌ی بالاتر منتقل می‌شد.»

ضرورت ثبت وضعیت خاص دانش‌آموزان در پرونده‌ی آن‌ها

خانم گلبن، معلم پایه‌ی چهارم دوره‌ی ابتدایی، نیز در تأیید سخنان همکارش اظهار می‌کند: «از نظر من که سی سال است در مدرسه‌های متعدد با کودکان کار کرده‌ام، یکی از کارهای مهم و ضروری که هر معلم باید در پایان سال تحصیلی انجام دهد، این است که با توجه به شناختی که از تک‌تک دانش‌آموزان پیدا می‌کند، نکته‌های مهم را مدنظر قرار دهد. نکته‌های مهمی مثل مشکلات جسمی، روحی، آموزشی و حتی برخی از مسائل خانوادگی از قبیل فوت یکی از اولیا و امثال آن، که در روحیه‌ی کودک تأثیر بسزایی دارد. معلم باید در برخوردهای خود، به این موارد توجه و در رابطه با تک‌تک دانش‌آموزانش یادداشتی تهیه کند و به مدیر مدرسه تحویل دهد تا به‌طور محرمانه در پرونده‌ی دانش‌آموز نگهداری شود و به معلم سال آینده‌ی او، حتی اگر به مدرسه‌ی دیگری منتقل شد، تحویل داده شود. در این صورت معلمان پایه‌های گوناگون، در حقیقت تکمیل‌کننده‌ی کار یکدیگر خواهند بود و چه‌بسا با همکاری اولیای دانش‌آموز، مشکل مدنظر قبل از ورود دانش‌آموز به پایه‌ی بالاتر مرتفع شود. اما این یک واقعیت است که اگر تعامل لازم در میان معلمان وجود نداشته باشد، تلاش معلم‌های سال‌های قبل، به‌ویژه در رابطه با دانش‌آموزان دارای مشکل خاص، بی‌ثمر خواهد ماند.»

نقش اولیا در فرایند آموزش دانش‌آموزان

خانم حیدری معلم پایه‌ی سوم است. او نیز معتقد است: «علاوه بر همکاری و تعامل معلمان، همکاری اولیا نیز اهمیت ویژه‌ای دارد؛ چراکه ما در تجربه‌های خود، دانش‌آموزانی را داشته‌ایم که مثلاً دچار اختلال یادگیری بوده‌اند و این موضوع توسط معلم تشخیص داده شده بود، اما متأسفانه اولیای این دانش‌آموز کمترین همکاری را با مدرسه نداشتند و گویی چنان از فرزندشان ناامید بودند که وضعیت او را پیگیری نمی‌کردند. در صورتی که مشکل آن کودکان با مراجعه به مراکز اختلالات یادگیری قابل حل بود.»

وی ادامه می‌دهد: «لازم است اولیای دانش‌آموزانی که دارای مشکل خاص مثل مشکلات جسمی هستند، در اولین روز مدرسه، موضوع را با معلم فرزند خود در میان بگذارند. این امر معلم را در تعلیم و تربیت آن دانش‌آموز و مدیریت صحیح کلاس یاری می‌کند.» حیدری تأکید می‌کند: «مسلم است که تعلیم و تربیت فرایندی پریپیچ و خم است که تنها در سایه‌ی تعامل معلمان و اولیا می‌تواند مسیر خود را به‌درستی طی کند و به هدف برسد.» تعلیم و تربیت نظامی تعاملی است که مهم‌ترین ارکان آن، اولیا، معلمان و دانش‌آموزانند. وقتی تعامل لازم با شیوه‌های صحیح برقرار شد، انتقال تجربه‌ها و خلق روش‌های جدید و مؤثر در تعلیم و تربیت محقق می‌شود.



بهبود مهارت‌های کلامی آموزگاران با استفاده از فن ان‌ال‌پی



محمدحسین بهروزیان
مدرس بازنشسته‌ی دانشگاه
فرهنگیان

در شماره‌های پیشین، سنخ‌های (تیپ‌های) شخصیتی دانش‌آموزان که عبارت بودند از سه سنخ اصلی، یعنی بصری، سمعی و لمسی و یک سنخ فرعی یعنی سنخ استدلالی و منطقی توضیح داده شدند. در ادامه‌ی مطالب یادشده، به موارد کاربردی دیگری اشاره می‌کنیم. امید که برای همکاران گرامی در همه‌ی دوره‌های تحصیلی، به‌خصوص در دوره‌ی ابتدایی، مفید باشد. شایان ذکر است که موارد یادشده فقط مختص بهبود روابط در روند آموزشی معلمان نیستند؛ بلکه در همه‌ی موقعیت‌های ارتباطی افراد با دیگران می‌توانند مؤثر واقع شوند.

کلیدواژه‌ها: کانال‌های ارتباطی، تفکر و انسجی، آیین‌های کاری، علائم چشمی

ارتباط مؤثر با استفاده از کانال‌های حسی غالب

بر اساس روش ان‌ال‌پی، نظام بازنمایی اطلاعاتی‌ای که فرد بیشتر از آن استفاده می‌کند در نوع کلماتی که به کار می‌برد، انعکاس پیدا می‌کند؛ مثلاً جملاتی مانند «می‌بینم چه می‌گویید»، «گفته‌هایت خوب به نظر می‌رسد» و «در گفته‌های شما حس خوبی است» هر یک بیانگر کانال حسی خاصی است که سنخ خاصی را نشان می‌دهد. در نتیجه برای ارتباط مؤثرتر با هر کدام از آن سنخ‌های شخصیتی نیاز به استفاده از روشی جداگانه است. با شناخت و تکیه به کانال حسی طرف مقابل می‌توانیم با او ارتباط بهتری برقرار کنیم؛ مثلاً ورزشکاران که اطلاعات را بصری دریافت می‌کنند، نخست با خودگویی درونی، آن اطلاعات را پردازش و سپس به آن عمل می‌کنند. نظام هدایت این افراد بصری

بازرزش‌ترین آن‌هاست. بنابراین دیدگاه ان‌ال‌پی، حرکات ناخودآگاه و خودکار چشم یا همان اشارات و سرنخ‌های چشمی غالباً با فرایندهای فکری خاصی همراه است و نظام‌های بازنمایی ذهن برای ایجاد ارتباط مؤثرتر با مخاطب خود را نشان می‌دهد.

درک علائم چشمی

بالا و چپ: یادآوری تصاویر.
بالا و راست: ساختن تصاویر.
وسط و چپ: یادآوری اصوات.
وسط و راست: ساختن اصوات.
چپ و پایین: گفت‌وگوی درونی.
راست و پایین: ایجاد یا بروز احساس.
مستقیم به جلو: دست‌یابی سریع به اطلاعات.

روش بررسی رابطه‌ی حرکات چشم و تفکر

از فرد نمونه در مورد موضوعاتی که در ادامه ذکر می‌شوند، سؤالاتی را بپرسید. سپس برای انتخاب روش ارتباط مؤثر، حرکات چشم او را یادداشت کنید یا به خاطر بسپارید.

۱. یادآور تصاویر: رنگ ماشین، پروانه‌ی در حال پرواز.
۲. ساختن تصاویر: ترکیب بدن اسب با

است؛ اما نظام تجسمی شنیداری دارند.

تفکر و انسجی

همچنان‌که گفته شد، معلم می‌تواند گفتار و کلمات فراگیران خود را به‌منظور پی‌بردن به ویژگی‌های درونی او مورد ارزیابی و و انسجی قرار دهد و از این طریق ارتباط مؤثرتری را با آن‌ها برقرار کند. عباراتی مانند «آینده‌ی روشنی داری»، «شیطونه می‌گه بزنش» و «آینده را باید ساخت» به‌ترتیب نشان‌دهنده‌ی سنخ شخصیتی دیداری، شنیداری و حرکتی هستند.

بنابراین هر سنخ شخصیتی کلمات مخصوصی دارند که از آن طریق شناسایی می‌شوند و لازم است با روش مخصوص به خودشان با آن‌ها در ارتباط بود. برخی از این کلمات و مفاهیم عبارتند از:

کلمات سنخ دیداری: رنگ، شکل، اندازه، نزدیک، دور، داخل، خارج.

کلمات سنخ شنیداری: صدا، بلند، آرام، آهسته، گفتن، شنیدن.

کلمات سنخ حسی: نرم، زبر، لطیف، ضخیم، نازک.

آیین‌های کاری

به استفاده از کلمات و حالات طرف مقابل، برای ایجاد ارتباط مؤثر، آیین‌های کاری می‌گویند؛ مثلاً اگر معلم هنگام حرکت، بدن خود را شکل بدن دانش‌آموزش قرار دهد یا از کلمات او استفاده کند، می‌تواند همان احساسات به‌همراه تفکرات دانش‌آموز را داشته باشد و در نتیجه ارتباط خود را مؤثرتر سازد.

ساختار تفکر و علائم چشمی

از دیدگاه ان‌ال‌پی، بین حرکات چشم و نوع تفکر رابطه‌ای وجود دارد. حرکات چشم، به‌عنوان نشانگر فرایندهای ادراکی خاص، از شناخته‌شده‌ترین اکتشافات ان‌ال‌پی و در عین حال بحث‌برانگیزترین و به‌طور بالقوه یکی از



بهبود مهارت‌های کلامی
قسمت دوم



بهبود مهارت‌های کلامی
قسمت اول

سر خروس، انسان سه چشم. ۳. یادآور صوت: صدای دست‌زدن، آهنگ مورد علاقه‌ی خود. ۴. ساختن صوت: هم‌زمان صدای قورباغه و پرواز هواپیما. ۵. گفت‌وگوی درونی: کی با خود حرف می‌زنی؟ چه به خود می‌گویی؟ ۶. یادآور احساس: احساس برف روی دست. حس کنید خسته هستید. ۷. تولید حس حرکتی: حس ناامیدی‌ای که باعث کاری در شما شود.

روش ثبت حرکات چشم

در ثبت حرکات چشمی توجه داشته باشید که بعضی از افراد عادت‌های خاصی دارند؛ مثلاً افراد با تجسم قوی ممکن است، بدون توجه به حسی که موردنظر آزمونگر است، به بالا، چپ یا راست نگاه کنند. اگر از چنین فردی بخواهید آهنگی به یاد آورد، ممکن است، به‌جای تصور خود آهنگ، جلد آن نوار یا لوح فشرده را تصور کند؛ اما افراد حسی قوی به‌جای فکر کردن به احساساتشان، درباره‌ی صدای آن آهنگ، به پایین نگاه می‌کنند. بنابراین لازم است از فرد پرسیده شود هنگام پاسخ‌دادن به سؤال واقعاً چه چیزی در فکر و ذهن خود داشته است.

مج‌گیری از طریق حرکات چشم

چنانچه مخاطب شما حادثه‌ای را توصیف کند که ناظر آن بوده است، اگر به چپ و بالا نگاه کند، در حال بازگویی واقعیت است؛ ولی اگر به بالا و راست نگاه کند، در حال ساختن تصویرهای غیرواقعی است و قصد دارد به شما واقعیت را نگوید. افراد منطقی کلامی بیشتر مایل‌اند سر و چشمان خود را به راست بچرخانند. این بدان معناست که مردم همیشه جهت مخالف آن نیمکره‌ای را نگاه می‌کنند که باید به آن عمل کنند.

بهبود روابط آموزگاران با

دانش‌آموزان از طریق ان‌ال‌پی

۱. به پاسخ‌ها دقت کنید. ریشه‌های ارتباط در پاسخ‌هاست. ۲. موانع و پالایه‌های (فیلترهای) ارتباط را بشکنید. ۳. انعطاف‌پذیر باشید. انعطاف‌پذیری کلید طلایی ارتباط است. ۴. دی‌ان‌ای ارتباط مخاطب را بشناسید. ۵. با هر کس مثل خودش حرف بزنید. ۶. قبل از حرف‌زدن فکر کنید. ۷. به ظواهر اهمیت دهید و همچنین با رفتار ظاهری دانش‌آموز خود هماهنگ شوید. ۸. به عوامل

اثربخشش در ارتباط توجه کنید. ۹. فنون همراهی و هدایت را اجرا کنید. ۱۰. تفاهم و درک متقابل داشته باشید. ۱۱. به لحن و آهنگ بیان و پیام‌رسانی توجه کنید. موارد ذکر شده از عوامل موفقیت ارتباط است. ۱۲. توجه داشته باشید که ترکیب مناسبی از سرعت کلام و زیربوم صدا موجب جذابیت کلام می‌شود. ۱۳. در انتخاب کلمات دقت کنید. کلمات کلیدی‌های ارتباطی هستند. ۱۴. موقعیت ارتباطی را در انتقال پیام در نظر بگیرید. ۱۵. به محیط اطراف توجه کنید که تأثیر بسزایی در ارتباط دارند.

مهارت استفاده از شوخ‌طبعی

در بهبود ارتباط کلامی

مزایای استفاده از شوخ‌طبعی در کلاس عبارت‌اند از:

۱. معلم شوخ‌طبع در مواجهه با دانش‌آموزان نارام کمتر از واکنش منفی استفاده می‌کند.
۲. شوخ‌طبعی معلم بهترین سازوکار دفاعی برای ارتباط کلامی مؤثرتر با شاگردان غیرفعال و شلوغ در کلاس درس است.
۳. شوخ‌طبعی معلم روش مؤثری برای مقابله با عواطف منفی دانش‌آموزان خود مانند خشم، ناراحتی و افسردگی است.
۴. معلمان شوخ‌طبع‌شانس بیشتری برای داشتن سلامت جسمی و روانی خود و دانش‌آموزان خود دارند.
۵. استفاده از شوخ‌طبعی توسط معلم به عملکرد دستگاه ایمنی و کاهش علائم تنش‌زادر کلاس درس کمک فراوانی می‌کند.

تنش‌زدایی از طریق شوخ‌طبعی در کلاس

شوخ‌طبعی به راحتی می‌تواند از تنش در کلاس بکاهد؛ زیرا:

۱. شوخ‌طبعی احساس خودکارآمدی معلم و دانش‌آموز را بالا می‌برد.
۲. شوخ‌طبعی به معلم کمک می‌کند تا از مشکلات ارتباط با دانش‌آموزان فاصله بگیرد.
۳. دانش‌آموزان بیشتر مایل‌اند در کنار معلمان شاد و سرحال فرایند آموزشی را دنبال کنند.

یا توجه به موارد ذکر شده مهندسی ذهن یا ان‌ال‌پی می‌گوید: بیشتر مردم از تمام دستگاه‌های احساسی خود برای ارتباط مؤثرتر بهره می‌گیرند، اما تنها به یکی از آن‌ها گرایش دارند. اگر بخواهیم در افراد با نظام‌های ذهنی متفاوت نفوذ کنیم و با آن‌ها رابطه‌ای ثمربخش داشته باشیم، باید با شناخت اصول ان‌ال‌پی یا همان برنامه‌ریزی عصبی کلامی نوع کلمات و رفتار خود را به‌گونه‌ای تغییر دهیم تا با دیدگاهی که آن‌ها از جهان دارند هم‌نوا شویم.



جای خالی بازی در آموزش

بازی‌های بومی و محلی؛ رنگین‌کمانی
از فرهنگ ناب ایرانی (قسمت سوم)

تعلیم و تربیت به چگونگی نقش بازی در امر آموزش کودکان معطوف شود. همچنین بازی برای درمانگران وسیله‌ی مناسبی است تا به دنیای کودکان راه یابند، آن‌ها را بهتر بشناسند و به مشکلاتشان پی ببرند. با گذر زمان و پیشرفت فناوری در دنیا بسیاری از حوزه‌ها از جمله حوزه‌ی بازی‌ها نیز متحول شده‌اند. به گذشته‌ها که فکر می‌کنیم به یادمان می‌آید که بیشتر از هر چیزی صدای خنده و شادی از پس بازی‌های قدیمی از کوچه‌ها و محله‌های شهر به گوش می‌رسید. بازی‌هایی که اکنون جز نام و نشانی از بسیاری از آن‌ها در خاطره‌ها باقی نمانده است. زمانی در هر خانه یک حیاط وجود داشت. بچه‌ها برای بازی یا در حیاط خانه‌ها یا در کوچه جمع می‌شدند و بازی‌های قدیمی و جالبی می‌کردند؛ اما حالا آپارتمان‌ها چنان قد علم کرده‌اند که فضای بازی کودکان به خانه‌های کودک، مهدکودک‌ها یا در نهایت، اگر پدر و مادر فرصت و حوصله داشته باشند، به بوستان ختم می‌شود.

زندگی بازی نیست؛ اما بازی خود یک زندگی است. اگر نظر عمیقی به این جمله بیندازیم، متوجه می‌شویم کودکان برای زندگی کردن باید بازی کنند. به همین دلیل، کودکان بازی را بر هر چیز دیگری ترجیح می‌دهند؛ اما متأسفانه امروزه شکل، هدف و فایده‌ی بازی‌ها تغییر کرده است. بازی‌هایی که امروزه بیشتر کودکان انجام می‌دهند، مانند بازی‌های رایانه‌ای، نه تنها مفید نیستند، بلکه آسیب و زیان فراوانی نیز به همراه دارند. بازی‌های رایانه‌ای، با بهره‌گیری از تصویرهای پرتحرک و صداهای مهیج، دنیایی از هیجان را به کودکان تشنه‌ی هیجان ارزانی می‌دهند. همین جذبه و کشش زیاد است که روح

سایر شق‌های حوزه‌ی شوق‌انگیز فرهنگ در کالبد بازی‌های بومی و محلی خود را آراسته می‌گردانند. این بازی‌ها که از آشخور فرهنگی این مرزوبوم سیراب شده‌اند ارتباطی درهم تنیده با لایه‌های بومی و قومی سرزمین ایران دارند. تنوع اقلیمی و زیستی بی‌نظیر ایران، در بستر تاریخ، فضای مناسبی را برای ظهور انواع بازی‌ها فراهم آورده است. بازی‌های بومی و محلی که قدمتی به اندازه‌ی تاریخ سرزمینمان دارند، اکنون در کشاکش زندگی روزمره و پیشرفت علم و فناوری رو به فراموشی هستند. بنابراین در این مقاله به اهمیت و فواید این بازی‌ها اشاره خواهیم کرد [۲].

یکی از فعالیت‌های لذت‌بخش و سازنده برای همه، به‌ویژه برای کودکان و نوجوانان، بازی است. کودکان زندگی در دنیای آینده را از طریق بازی‌ها تمرین می‌کنند. ویژگی‌های هر بازی و فایده‌های آن در رشد همه‌جانبه‌ی قوای ذهنی، جسمی، شخصیتی و اجتماعی کودک باعث شده است توجه تعداد زیادی از دست‌اندرکاران

محدثه‌همتی

آموزگار پایه‌ی اول

ابتدایی، مدرس دانشگاه

فرهنگیان

شهر سمنان



هر ملت ریشه‌دار در تاریخ، به‌مدد بهره‌مندی از عناصر هویت‌بخش فرهنگی و تاریخی خویش، حماسه‌ای دیرپا و ماندگار را رقم می‌زند. این حماسه خوانشی از ابعاد متکثر هویتی، فرهنگی، اجتماعی و هنری است. از این رهگذر آرایه‌ها و نگاره‌های فرهنگی مانا و پایداری چون معماری، نقاشی، ادبیات، موسیقی، آداب و رسوم و ده‌ها مؤلفه‌ی دیگر، هویت اصیل و حیات‌بخش فرهنگ هر ملت را در گذرگاه سخت تاریخ شکل می‌دهند. در این میان یکی از عناصر ماندگار و کهن هر ملتی که ارتباط ناگسستنی با ذائقه‌ی فرهنگی آن ملت دارد؛ بازی‌ها و سرگرمی‌های بومی و محلی‌اند که در بطن تاریخ دراز هر ملتی مجال بروز و ظهور می‌یابند. شاید بتوان گفت که سویه‌های لطیف‌تر ادبیات، هنر، آداب و رسوم و



جای خالی بازی
قسمت دوم

و جسم آنان را برده‌وار مطیع خود می‌سازد. میلیون‌ها کودک و نوجوان در سراسر جهان با فاصله‌گرفتن از بازی‌های پویا، پرتحرک و شادای آفرین ساعت‌ها مانند مسافری یکه و تنها، بی‌هیچ همراهی، وارد دنیای بازی‌های بی‌انتهای رایانه‌ای می‌شوند و در نهایت با چشمانی برافروخته و لب‌هایی آویزان با تذکرات مکرر والدین آن را رها می‌کنند. بازی‌های رایانه‌ای برخلاف بازی‌های بومی و محلی که با تحرک بسیاری همراه است، سبب تخلیه‌ی ناقص انرژی، لجبازی، افسردگی و سرکوب جنب‌وجوش کودکان می‌شود [۱].

ایران به‌واسطه‌ی تاریخ کهن و اصیل خویش نقش بسزایی در ظهور و پیدایش بازی‌های ریشه‌دار بومی در جهان دارد. این بازی‌ها که از سرچشمه‌ی فرهنگی این مرزوبوم سیراب شده‌اند، ارتباطی درهم‌تنیده با لایه‌های بومی و قومی این کشور دارند. تنوع اقلیمی و زیستی بی‌نظیر ایران در بستر تاریخ، فضای مناسبی را برای ظهور انواع بازی‌های گوناگون فراهم آورده است؛ مثل بازی‌های مربوط به مراسم عروسی، مراسم کشاورزی، برداشت محصول، عیدها، تغییر فصل‌ها، بارش باران، دروکردن و خشکسالی. نکته‌ی حائز اهمیت در این میان پیوند میان جسم خاکی با روح افلاکی در تکوین بازی‌های ایرانی است که خود موقعیتی ممتاز را در مقایسه با بازی‌ها و تفریحات سایر کشورها به وجود آورده است [۲].

فایده‌ی بازی‌های بومی و محلی

از فایده‌های بازی‌های بومی و محلی که بخشی از آداب و آیین کشور ماست و سرمایه‌ی فرهنگی و میراث معنوی ایران اسلامی محسوب می‌شود، می‌توان به این موارد اشاره کرد [۱].



مهران مافی بردبار

آیندازی

دی‌ماه

دوره‌ی بیست و ششم
شماره‌ی ۴ | ۱۴۰۱

۱۹

۱. کودک بسیاری از نقش‌های اجتماعی را می‌تواند از طریق بازی‌های محلی یاد بگیرد و به ایفای آن‌ها بپردازد؛ مثلاً کودک در بازی، نقش پدر یا مادر بودن را یاد می‌گیرد و تمرین می‌کند. همچنین حس نوع دوستی و تعاون کودکان در حین برخی بازی‌های بومی و محلی تقویت می‌شوند.

۲. درمان‌گران اختلالات یادگیری معتقدند، برای درمان و رفع مشکلات یادگیری، برخی بازی‌ها و سنت‌های محلی بسیار مفیدند؛ مثلاً بازی «یک قل، دو قل» در درمان بدخطی و نارسایی کودکان بسیار مؤثر است. همچنین برخی از بازی‌های محلی می‌توانند در ایجاد تمرکز حواس و تقویت آن نقش بسزایی داشته باشند؛ مثل بازی «کلاغ پر» که در تقویت و ایجاد تمرکز حواس مفید است؛ چراکه حواس بازی‌کننده، در طول زمان بازی، جمع است تا با شنیدن نام چیزهایی که پر ندارند، دستش را بالا نبرد.

۳. هماهنگی اعضای بدن شرط ضروری در انجام مطلوب یک عمل است. تعدادی از بازی‌های بومی و محلی می‌توانند این هماهنگی را تقویت کنند.

۴. بازی‌های محلی نسبت به بازی‌های رایانه‌ای و بی‌تحرك امروزی از شور و نشاط بسیاری برخوردارند و همین شادی و نشاط باعث سلامت روحی کودکان می‌شود.

۵. بازی‌های رایانه‌ای امروزی هیجانات منفی دارند. بیشترین تحرك در این بازی‌ها حرکت دست بازی‌کننده، در حدود دو سانتی‌متر، است که موشی (موس) رایانه

را جابه‌جا می‌کند؛ اما بازی‌های سنتی باعث تخلیه انرژی منفی بدن کودکان می‌شوند و بسیاری از بیماری‌ها را از انسان دور می‌کنند؛ مثلاً بیماری‌های قند، چربی و غلظت خون از طریق تحرکات هیجانی از بین می‌روند و بازی‌های محلی می‌توانند این نقش را به عهده بگیرند.

۶. در مناطقی که هنوز بازی‌های محلی رواج دارند، خواب کودکان منظم است. آن‌ها شب‌ها، به‌خاطر تخلیه انرژی زائد بدن، زود به رختخواب می‌روند و صبح با خواب کافی و سرحال از رختخواب بیرون می‌آیند. این عامل می‌تواند، در یادگیری‌های آموزشگاهی، نقش بسزایی داشته باشد.

۷. امروزه صاحب‌نظران تعلیم و تربیت به این نتیجه رسیده‌اند که برای آموزش بسیاری از مفاهیم و موضوعات، بازی‌های سنتی و محلی می‌توانند بهترین و مطمئن‌ترین ابزار و شیوهی آموزش باشند، به همین دلیل، در کتاب‌های درسی دوره‌ی ابتدایی، انجام بسیاری از بازی‌های سنتی و محلی سفارش شده است.

۸. بسیاری از مهارت‌های زندگی را می‌توان از طریق بازی‌های محلی به کودکان آموخت. مهارت‌های دوختن، برش‌زدن، آشپزی، گوش کردن، جارو زدن و... را کودکان در فرایند بازی می‌آموزند و آن را به‌خوبی انجام می‌دهند.

۹. بازی‌های بومی و محلی، به‌عنوان نمونه‌ای بهتر در مقایسه با بازی‌های حیاط پویا، برای بهبود کارکرد شناختی، سواد بدنی و پیشرفت تحصیلی کودکان تشخیص داده شده است [۳].



با توجه به نقش و اهمیت بازی‌های بومی و محلی، باید متذکر شد فراموشی هر یک از آن‌ها فراموشی بخشی از گذشته و فرهنگ و در نتیجه فراموشی ارزش‌ها و هنجارهاست؛ زیرا بازی‌های سنتی بخشی از آموزش و پرورش غیررسمی هر جامعه است و نقش تربیتی فوق‌العاده‌ای را در رشد شخصیت و فرهنگ‌پذیری افراد آن جامعه ایفا می‌کند.

نهادهای فرهنگی و مدرسه‌ها باید این مهم را در نظر بگیرند و زمینه‌ی شناساندن آن را به دانش‌آموز فراهم کنند و فرهنگ اصیل این مرز و بوم را که سرشار از لذت روحی و جسمی است، به این نسل انتقال دهند؛ چراکه ایجاد یک تحول فرهنگی بزرگ مستلزم تغییر در نگرش و عادت‌های افراد در دوران کودکی است. انجام بازی‌های بومی و محلی به‌عنوان سرمایه‌ی فرهنگی و میراث معنوی ایران اسلامی در مدرسه سبب می‌شود که دانش‌آموزان، در عمل، جذابیت‌های این نوع بازی را درک کنند و به‌سوی آن جلب شوند.

لذا برای توسعه و رشد همه‌جانبه‌ی دانش‌آموزان، باید بازی‌های بومی و محلی در زنگ‌های ورزش و حتی در کتاب‌های درسی به‌طور خاص برنامه‌ریزی شوند؛ چون کودکان و نوجوانان بیشتر وقت خود را با هم‌سن‌وسالان خود در مدرسه می‌گذرانند.

امید است کودکان این مرز و بوم که ناگزیر از حصار تنگ بازی‌های عصر جدید با ده‌ها اثر مخرب گونه، دهشت‌آور، خشونت‌بار، فطرت‌ستیز، خردگریز و... روبه‌رو هستند؛ به‌مدد بازگشت به تفریحات و بازی‌های جذاب، روح‌افزا، جوانمردانه، خردمحور و چالاک‌گونه‌ی بومی و محلی آرامش روحی خویش را احیا و بازیابی کنند.



کوچک مشاور

من مشاور مامان و بابام هستم

سارا سلیمی نمین

مؤسس مرکز نوآوری وابسته به مدرسه

آمنه سلیمی نمین

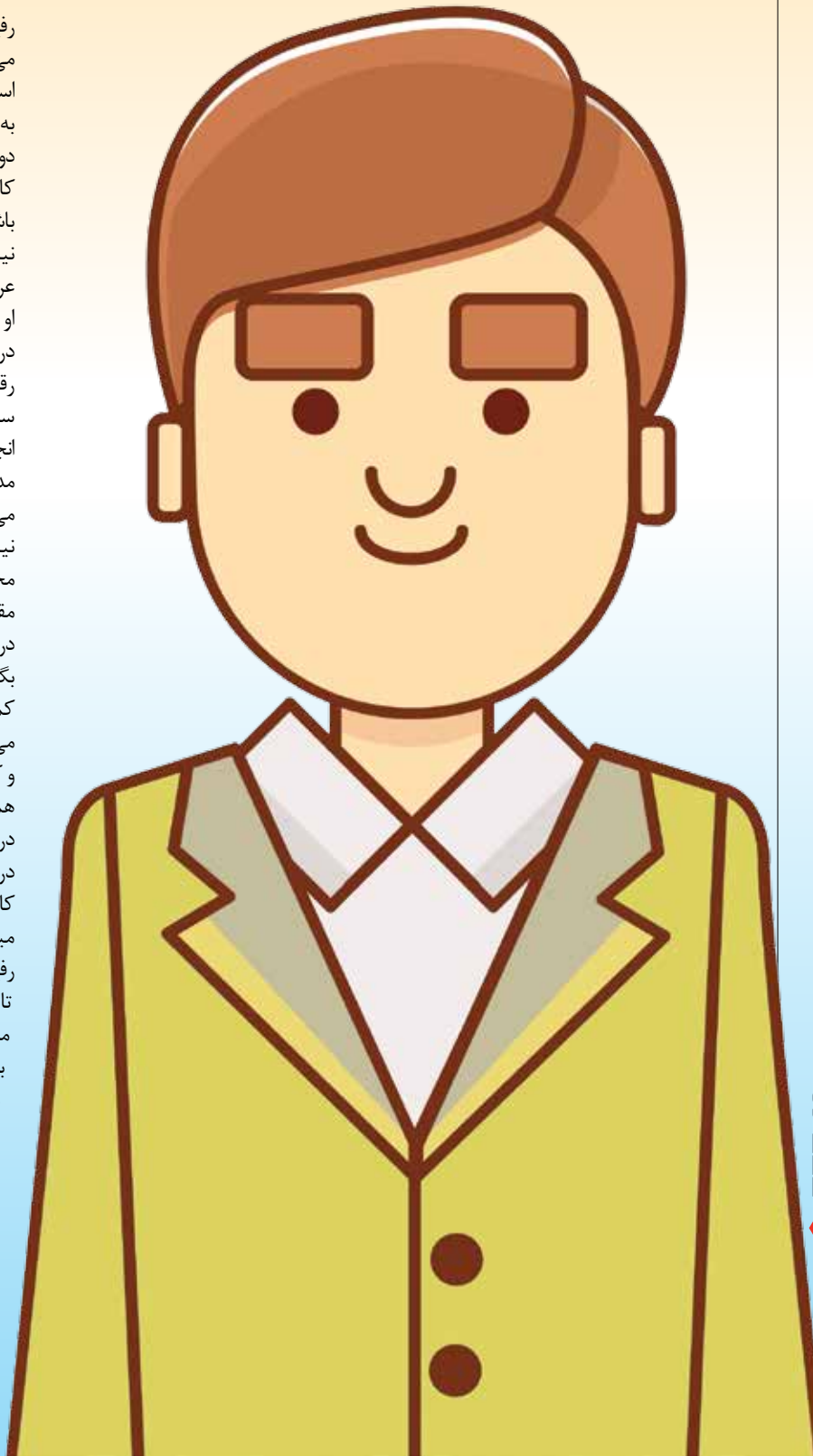
مدیر مدرسه در منطقه ۳ تهران

کارآفرینی و وارد شدن

در چرخه‌ی گردش پول در جامعه

عموم مردم معمولاً کارآفرین را فردی می‌دانند که نیازی از مردم جامعه را درمی‌یابد و به راه‌های رفع آن نیاز و چگونگی ارائه‌ی محصول فکر می‌کند. این ویژگی لازمه‌ی شروع کارآفرینی است؛ اما کافی نیست. تشخیص نیاز و پرداختن به روش‌های رفع آن می‌تواند ویژگی یک مدیر دولتی، یک پژوهشگر یا یک خبرنگار نیز باشد. کارآفرین لازم است شمه اقتصادی داشته باشد تا محصول یا خدمتی را که برای رفع نیاز جامعه هدف‌گذاری کرده است به گونه‌ای عرضه کند که در چرخه‌ی اقتصادی وارد شود. او به‌درستی می‌داند محصول یا خدمت زمانی در چرخه‌ی اقتصادی وارد می‌شود که قیمت رقابتی داشته باشد.

سؤال اینجاست که برای داشتن قیمت رقابتی انجام چه کارهایی نیاز است؟ در نگاه اول، یک مدیر عملیاتی به انجام کار با کمترین منابع می‌اندیشد. وی ابتدا روش خاص خود برای رفع نیاز را مشخص و بعد از آن هزینه‌ی تمام‌شده را محاسبه می‌کند. سپس قیمت تمام‌شده را با رقبا مقایسه می‌کند تا برای پیدا کردن موقعیت خود، در میان آن‌ها، از همه‌ی ایده‌های خلاق بهره بگیرد و کار موردنظر را با کیفیت بالاتر و هزینه‌ی کمتر ارائه دهد. او این تلاش را تا جایی ادامه می‌دهد که مجموعه‌ای از شرکت‌ها و کسب و کارهای مکمل خود را پیدا کند و کار را در همکاری با آن‌ها با قیمت رقابتی به‌انجام برساند. در نگاهی دقیق‌تر، ایجاد قیمت رقابتی در شناخت چرخه‌ی اقتصادی است. یک کارآفرین به این می‌اندیشد که مشتریان چه میزان از درآمد ماهیانه یا سالیانه‌ی خود را برای رفع نیاز موردنظر کارآفرین کنار گذاشته‌اند یا تا چه اندازه حاضرند درآمدها را برای این منظور افزایش دهند. همچنین یک کارآفرین به این می‌اندیشد که چه تعدادی از مردم ممکن است به جمع مشتریان محصول یا خدمتی که او ارائه می‌دهد بپیوندند تا بر اساس تعداد مشتریان تصمیم جدیدی برای کاهش یا افزایش قیمت رقابتی خود بگیرد. کار به اینجا ختم نمی‌شود و کارآفرین به تغییرات علمی و فناوری فکر می‌کند؛





کوچک مشاور
قسمت سوم



نقشی در دنیای آینده ایفا کند. من و شمای معلم هر زمان با این سؤال روبه‌رو هستیم که چگونه کودک امروز کارآفرین فردا خواهد بود. قصه‌ی زیر نمونه‌ای است که تلاش می‌کند، از درون یک اتفاق روزمره، ذهن یک کودک را با مفهوم چرخه‌ی اقتصادی پیوند زند تا کودک تصویری برای ورود به این چرخه داشته باشد.

اینکه چگونه می‌تواند به جمع کسانی بپیوندد که سرمایه‌گذاری می‌کنند تا با محصول و خدمتی جدید، در کیفیت بالاتر و با منابع و هزینه‌ی کمتر، بازار را از آن خود کنند. یک کارآفرین می‌داند که لازم است از پروژه‌های تحقیق و توسعه مطلع و خود نیز در بخشی از آن‌ها مشارکت داشته باشد. او سعی می‌کند از طریق مشارکت و سرمایه‌گذاری مشترک

من می‌خواهم رئیس‌جمهور شوم

اینکه چیز دیگری در اولویت است. همان انتخابی که ما توی مغازه داشتیم. **کوچک مشاور** سرش را خاراند: به نظرم هر کدام از ما مقداری از پول توی دستان را باید بریزیم وسط این حلقه. «چه جالب!» صدای بابا بود که از آشپزخانه می‌آمد. رفته بود برای گرم کردن این گفت‌وگو دو تا چای داغ برای خودش و مامان بیارود. بعد پرسید: کی حق دارد از آن‌ها استفاده بکنند؟ کی این حق را به او داده است؟ چطور باید استفاده کند؟

این حرف‌ها کوچک مشاور را یاد شغل موردعلاقه‌اش انداخت. بلند شد و گفت: بله قربان! رئیس‌جمهور در خدمت شماست. ولی این یعنی پول دست من پول مردم است و من باید فکر کنم این پول چطور باید مصرف بشود که خود مردم سود ببرند؟

مامان: بله.
کوچک مشاور: پس خودم چی؟ پول من از کجا می‌آید؟

مامان: خب، تو هم مثل بقیه‌ی مردم داخل حلقه هستی. بابت کاری که برای مردم می‌کنی از یک دست پول می‌گیری و از دست دیگر پول می‌دهی.

بابا: پس تو قرار است برای مردم چه کار کنی؟ تصمیم داری چه کارهایی را از درون این حلقه در اولویت قرار دهی؟
کوچک مشاور: باید فکر کنم؛ اما به نظرم حتماً باید دو چیز را در نظر بگیرم: اول، نیازهای ضروری مردم و دوم، آینده‌ای که مردم دوست دارند برای خودشان بسازند.

چرت‌زدنش را بگیرد، خطاب به مامان گفت: «شش صبح از خانه زدم بیرون، ساعت هشت شب برگشتم. هنوز هم برای نقد شدن چک پس‌فردا پول کم دارم.» مشاور کوچولو پرید وسط: از کارت مامان بردارید.

این شد که مامان و بابا زند زید خنده. **بابا:** کارت هم وقتی پر می‌شود که من یا مامان توی آن پول بریزیم. ما هم وقتی می‌توانیم توی کارت پول بریزیم که کار کرده باشیم.

کوچک مشاور: خُب، آن پول از کجا می‌آید؟ یعنی هر کس کار می‌کند، پول می‌گیرد، بعد برای خریدن چیزهایی که لازم دارد آن را خرج می‌کند.

مامان: و برای کارهایی که می‌خواهد دیگران برایش بکنند.

کوچک مشاور: پس همه‌ی ما دستان توی دست هم است و با هم یک حلقه را تشکیل داده‌ایم. یک جورهایی انگار پول بین ما می‌گردد.

بابا: اگر گفتی پول کارهایی را که قرار است برای همه‌ی ما انجام بشود کی باید بدهد؟

کوچک مشاور: مثل چه کارهایی؟
مامان: مثل ساختن راه یا کارهایی که پول زیاد می‌خواهد و انجامشان از عهدی یک نفر و دو نفر بر نمی‌آید.

کوچک مشاور: مثل خریدن هواپیما. بعد کمی فکر کرد: راستی کارخانه‌ی هواپیماسازی چی؟

مامان: حتی تصمیم‌گیری برای اینکه ما نیاز به کارخانه‌ی ساخت هواپیما داریم یا

مامان: خُب، بهتر است گواشی بخری که هم کیفیت خوبی داشته باشد و هم قیمت مناسبی.

کوچک مشاور: ولی جعبه‌ی این قشنگ‌تر است. تازه شیشه‌هایش هم قشنگ‌تر است. بعد از اینکه گواشش تمام شد، می‌توانم به جای دوات از آن استفاده کنم.

مامان در حالی که کیف پولش را به کوچک مشاور نشان می‌داد، گفت: «ولی تعداد وسیله‌هایی که باید تهیه کنیم زیاد است و پولی که ما برای این خرید کنار گذاشته‌ایم اجازه نمی‌دهد، بدون توجه به قیمت، چیزی را که می‌خواهیم انتخاب کنیم.»

کوچک مشاور: خُب، بقیه‌ی پول را با کارت می‌دهیم. توی کارت که همیشه پول هست.

مامان کوچک مشاور نتوانست خنده‌اش را پنهان کند. همان‌طور که می‌خندید ادامه داد: «به نظر می‌رسد در فرصت مناسب، بیشتر باید در این مورد با هم صحبت کنیم.»

همان روز بعد از شام، کوچک مشاور با یک صندوق پر از سؤال آمد. پیش مامان و بابا نشست و صحبت را با اعتراض به خرید صبح شروع کرد که هزار دلیل قانع‌کننده برای انتخابش داشته و فقط به دلیل توجه به قیمت نتوانسته است آن را بخرد.

بابا: این وقت سال هزینه‌های خانه بالاتر از معمول است و باید با دقت و برنامه‌ریزی خرید کرد.

بعد در حالی که سعی می‌کرد جلوی

کینه‌ورزی و

راهکارهایی برای بخشش

دوست ندارد) تقسیم می‌شوند؛ آدم‌های خویشتن‌دوست که در مسیر سلامت، شادی و خوشبختی قرار دارند، چهار ویژگی دارند:

۱. همه‌ی خوبی‌ها را برای خود می‌پسندند و درباره‌ی خود انجام می‌دهند و متقابلاً آن خوبی‌ها را برای دیگران هم می‌پسندند و می‌خواهند.

۲. هیچ بدی را برای خود نمی‌خواهند و کار بدی درباره‌ی خود انجام نمی‌دهند و متقابلاً هیچ امر بدی را برای دیگران هم نمی‌پسندند و انجام نمی‌دهند.

۳. انسان‌های خویشتن‌دوست، مسئولیت، هزینه و پیامد زندگی خود را می‌پذیرند.

۴. این افراد، از حرمت، حدود و حقوق خود صیانت می‌کنند و متقابلاً نیز هرگز به حرمت، حدود و حقوق کسی تعدی نمی‌کنند.

آدم‌های خودناپسند کسانی‌اند که خود را کوچک، عاجز و بی‌ارزش می‌دانند. این افراد به دو صورت رفتار می‌کنند: یا خود را در مقابل دیگران و در تعامل با آن‌ها حقیر و کوچک و ناتوان می‌شمارند، یا چون فهمیده‌اند که این نوع رفتار در تعامل با دیگران منجر به له‌شدن آنان می‌شود، پس خود را برتر و بالاتر از دیگران نشان می‌دهند و رفتاری مبتنی بر این نگرش را در ارتباطاتشان در پیش می‌گیرند. این افراد علاوه بر اینکه خود در وادی رذایل اخلاقی مانند کبر، بخل، حرص، حسادت، غضب و... سقوط می‌کنند، به خودشان اجازه می‌دهند که به حرمت، حدود و حقوق دیگران هم تعدی کنند و رفتارها و اعمالی داشته باشند که منجر به ایجاد کینه در دیگران شود.

ریشه‌ی این مشکلات از منظر روان‌شناختی، به‌طور ویژه به دوران کودکی، به‌خصوص سه سال اول زندگی بر می‌گردد. چون کودک

حقد و کینه، نگاه‌داشتن دشمنی در قلب و منتظر فرصت‌بودن برای عقده‌گشایی است. ضد حقد و کینه، عفو و بخشش است. عفو به معنای گذشتن از گناه و ترک کیفر آن است و اصل و ریشه‌ی آن به معنی محو و نابودی است (در اینجا، علاوه بر گذشتن از خطا و گناه کسی، ترک کیفر او و محو و نابودی آثار کدورتی که از فرد خطاکار بر دل مانده است نیز بخشی از فرایند و مفهوم عفو و بخشش است).

طبق آیات و روایات، عفو دو حالت ممدوح و مذموم دارد که باید آن‌ها را تشخیص داد و به‌نحو مقتضی از عفو پسندیده و حقیقی بهره برد. عفو حقیقی ویژگی‌هایی دارد؛ مانند برخورداری فرد عفوکننده از توانایی و قدرت انتقام، اجتناب از سرزنش فرد خطاکار پس از گذشتن از خطای او و در نهایت، دعا و احسان در حق فرد خطاکار.

حال، برای مواجهه‌ی صحیح با حالت کینه در قلب یا رهایی از این حالت که در قلب ما لانه کرده است، داشتن درک جامعی از زمینه‌های شکل‌گیری صفات اخلاقی ناشایست و از جمله حقد و کینه‌ورزی، کمک‌کننده است. در ادامه به اختصار از منظر روان‌شناسی به این زمینه‌ها اشاره می‌شود.

از منظر روان‌شناسی، آدم‌ها به دو گروه خویشتن‌دوست و خودناپسند (یعنی کسی که خویشتن خود را



معصومه کیانی
استادیار گروه علوم
تربیتی دانشگاه
پوهلی سینا

کینه (حقد) زمینه‌ساز بسیاری از بیماری‌های روانی و رذایل اخلاقی است که خود از شرایط و زمینه‌های روانی و معرفتی خاصی سرچشمه می‌گیرد. انسان کینه‌ورز نمی‌تواند از صلح و آرامش برخوردار باشد، شادی حقیقی و نورانیت در دلش روشن و شعله‌ور نمی‌شود و لذا، نمی‌تواند زندگی سالم و خوشایندی را تجربه کند. همچنین، چون انسان کینه‌ورز به‌تدریج از رفتاری نیک و مسالمت‌آمیز با خود و دیگران دور می‌شود، حدود (الهی) را نادیده می‌گیرد و به حقوق دیگران تعدی می‌کند، گرفتار خسران معنوی و اخروی نیز می‌شود. بنابراین، چنانچه ریشه‌ها و شرایط زمینه‌ساز کینه‌ورزی را بشناسیم، بیشتر می‌توانیم از این صفت اخلاقی ناپسند و پیامدهای آن در امان باشیم و ظرفیت بخشش را در خود تقویت کنیم.

کینه در زبان عربی با کلمه «حقد» تعبیر می‌شود و در منابع اسلامی به‌عنوان یک صفت اخلاقی مذموم معرفی شده است که آرامش را از انسان سلب می‌کند. در لسان‌العرب آمده است: «الْحَقْدُ إِمْسَاكُ الْعَدَاوَةِ فِي الْقَلْبِ وَ التَّرْبِصُ لِفِرْصَتِهَا»

ثمره‌ی کینه و عداوت است؛ اینکه حاصل حقد و کینه‌ورزی در دنیا چیزی جز غم و درد نیست و در آخرت نیز انسان را گرفتار خسران معنوی و حتی عذاب می‌کند، زیرا کینه علاوه بر اینکه آرامش را از انسان سلب می‌کند، موجب ردایل اخلاقی و گناهان دیگری مثل حسادت، غیبت، تهمت، خیانت و تحقیر، ظلم و ... می‌شود. همچنین باید دانش‌آموزان را متوجه این امر ساخت که این افراد معمولاً ضعف معرفت توحیدی دارند و صفات خداوند متعال و جایگاه خود در عالم هستی به درستی نمی‌شناسند؛ به این معنا که به جای رؤیت سلطه‌ی جمال و جلال الهی بر همه‌ی عالم هستی، خود را مدار و محور عالم یا هم‌عرض وجود باری تعالی می‌دانند. بدین ترتیب، می‌توان به تدریج آگاهی و بصیرت دانش‌آموزان و زمینه‌ی دوری آنان از ردایل و صفات ناپسند اخلاقی را توسعه داد.

علاوه بر این، معلمان می‌توانند دانش‌آموزان را با طرح مسئله‌ها، نمونه‌ها، داستان‌ها و اجرای نمایش با پیامدها و مشکلات اخلاقی ناشی از کینه و نیز مواهب عفو و بخشش آشنا کنند و در عمل و موقعیت‌های ملموس، نحوه‌ی مواجهه با این رفتارها و حل مسئله را به آنان آموزش دهند (مجموعه‌ی این اقدامات و مهارت‌ها را می‌توان بخشی از آموزش سواد اخلاقی به کودکان دانست).

در این راستا، نقش الگویی معلم نیز حائز اهمیت است. معلم باید رفتار خود را بر احترام به کودکان (دانش‌آموزان) و حفظ کرامت آنان، تعامل مثبت، رعایت عدالت در همه‌ی موارد، همدلی داشتن و کمک‌کردن، چشم‌پوشی و تغافل سازنده از خطاهای آنان و سوق دادن آنان به چنین رفتاری با یکدیگر مبتنی سازد.

قادر خواهیم بود به‌هنگام رنجیدن از رفتار کسی یا کینه‌داشتن، ریشه‌ها و زمینه‌های رفتار او را بهتر درک کنیم و در کنار همه‌ی اقدامات و تدابیری که برای مصون‌ماندن از رفتار آسیب‌زای او به کار می‌گیریم، ظرفیت و قدرت بخشش را هم در خود تقویت کنیم.

پس ما معلمان باید دانش‌آموزان و کودکان را به‌نحوه‌ی هدایت کنیم که خویشتن‌دوستی در آنان تقویت شود. همچنین به رفتار مریض‌گونه‌ی انسان‌های خودناپسند و نحوه‌ی مواجهه با آن‌ها آگاه شوند و نیز مهارت همدلی و پاسخ‌گویی با سخاوت در آنان پرورش یابد.

یکی از راهکارهای دیگر برای پیشگیری یا درمان کینه‌ورزی، استفاده از رویکرد «فک»^۱ و تشکیل حلقه‌های کندوکاو و هدایت کودکان به‌سمت تفکر در

توجه و محبت کافی را دریافت نکرده و بنابراین، از احساس آرامش و امنیت در این دوران برخوردار نبوده است، احساس بدبودن یا حس شرم (حالتی که کودک احساس می‌کند کار بدی کرده است) در او شکل می‌گیرد. تداوم این وضعیت، تا سن شش سالگی، موجب می‌شود که کودک علاوه بر حس شرم، به حس گناه (حالتی که کودک خود را فرد بدی می‌داند) نیز مبتلا شود. چنین کودکی، وجودی تهی و توخالی دارد که اگر مراقبت‌های لازم را دریافت نکند، به احتمال زیاد در مسیر خودناپسندی قرار می‌گیرد و به‌مرور به یک فرد بزرگسال خودناپسند تبدیل می‌شود.

بنابراین، چنانچه از این منظر به رفتار آدمیان بنگریم، نه‌تنها سعی می‌کنیم خودمان از چنین رفتارها و صفات ناپسندی مبرا باشیم، بلکه



آموزگار سبید

دانش آموز

(ارتباط اثر بخش)



فاطمه رهبری

آموزگار پایه‌ی پنجم ابتدایی، استان

مازندران، شهرستان قائمشهر

پاییز ۱۳۹۶، بهار معلمی دانش‌آموختگان دانشگاه فرهنگیان (ورودی سال ۱۳۹۲) بود. من هم بعد از گذراندن گام‌های نخستین و استوار توسعه‌ی حرفه‌ای، در دوران دانشجویی، آماده‌ی حضور در فضای آموزشی مدرسه بودم.

سه هفته‌ی اول مهرماه، تدریس برای پایه‌ی مستقلی نداشتم. آن روزها، به‌واسطه‌ی سمتم (معلم جانشین)، شرایط متفاوت‌تری از دوستانم را تجربه می‌کردم. در یک روز، به کلاس‌های متعدد می‌رفتم و در هر کدام، درس‌های متفاوتی مانند قرآن، هنر و هدیه را تدریس می‌کردم. قصد ندارم در این روایت به برشمردن تفاوت ویژگی‌های روان‌شناختی دانش‌آموزان و آشکارساختن چرایی متنوع‌بودن طراحی آموزشی خویش بپردازم؛ بلکه غرضم از این نوشتار چگونگی برقراری ارتباط با دانش‌آموزان است که مقدم بر هر چیزی است.

دبستان پسرانه‌ای که در آن مشغول شده بودم، ۴۲۸ دانش‌آموز داشت. در طول دو هفته، از ۱۳ کلاس مدرسه، ۱۰ کلاس را رفتم و تقریباً با ۳۰۰ دانش‌آموز دبستان در کلاس‌های متعدد روبه‌رو شدم. طیف گسترده‌ی این ارتباط تجربه‌های گوناگونی را رقم زد. در دانشگاه فرهنگیان علاوه بر گذراندن کارورزی

۳ و ۴، یک روز در هفته، معلم جانشین پایه‌ی دوم دبستان مختلط یک روستا بودم. از این رو، این سمت برایم ناآشنا نبود.

اولین روز مهرماه، تعدادی از دانش‌آموزان پایه‌ی اول گریه می‌کردند و نمی‌خواستند از مادرشان جدا شوند. سعی کردم به یکی از آن‌ها نزدیک شوم. خم شدم و روبه‌رویش قرار گرفتم. با شوق و ذوق تبریک گفتم. برای زنگ هنر که می‌خواستم به کلاسشان بروم، باز هم بیرون کلاس، پیش مادرش ایستاده بود. در حضور او با جدیت اما مهربانی به مادرش گفتم: «شما نباید همراه فرزندتان به کلاس بیایید. چون او خودش می‌تواند به کارهای شخصی‌اش برسد.» از قبل با مادرش هماهنگ کرده بودم. قدم‌هایم را تند کردم و صورتک (ماسک) میوه‌ای که برای ایجاد انگیزه آماده کرده بودم، بالا بردم تا توجهش جلب شود. لیخندی زد و پشت سرم آمد؛ ولی با نگرانی. وقتی صدای پایش را شنیدم، قدم‌هایم را آرام‌تر برداشتم و برگشتم. از او برای اجرای نمایش کمک خواستم. پذیرفت و به تدریج بعد از یک هفته توانست محیط مدرسه و کلاس را بپذیرد.

معمولاً در مسیر بازگشت به خانه، مشغول خودآزمایی می‌شدم. مبانی فلسفی و نظریه‌های روان‌شناسی را از نظر می‌گذراندم. خدا را شکر می‌کردم که با هر پایه ارتباطی متناسب با خودشان برقرار کرده‌ام. آموزگار کلاس اولی‌ها که بودم، از کلام‌های شعرگونه، واژه‌های ساده‌تر، بازخوردهای تصویری و ایجاد انگیزه‌ی نمایشی در کلاس بهره می‌بردم.

یک بار، در درس هنر کلاس دوم، قصه‌ای تعریف کردم تا از آن نقاشی بکشند. بهتر است بگویم قصه را اجرا کردم. زمانی که لازم بود راه می‌رفتم، در نقش پیرزن خم می‌شدم و صدایم را تغییر می‌دادم. متناسب با صحنه‌های شاد، غمگین و حیرت‌انگیز تغییراتی در چهره‌ام ایجاد می‌کردم و بچه‌ها آن قدر غرق تماشا می‌شدند که در همان حالت نشستند، با چهره و دستان خود، مرا همراهی می‌کردند.

برای ششمی‌ها فعالیت‌های انتزاعی‌تر، مثل داستان‌نویسی برای یکی از تصاویر کتاب، طراحی کرده بودم. معاون آموزشی با اندکی نگرانی قبل از رفتن به کلاس ششم به من هشدار داده بود که ارتباط با ششمی‌ها راحت نیست؛ اما به توانمندی‌های خویش یقین داشتم. با

- بی نوشتها:
1. Dominance
 2. Rosenshine 1970
 3. Teacher enthusiasm
 4. Pupil achievement
 5. A. Adler

منابع

۱. براون، جورج، (۱۳۸۷) تدریس خرد (مسرین مهارت‌های تدریس در مقیاس کوچک)، ترجمه علی رؤف، تهران: مدرسه.
۲. شفیع آبادی، عبدالله، ناصر، غلامرضا، (۱۳۹۰) نظریه‌های روان‌شناسی و روان‌درمانی، تهران: نشر دانشگاهی.
۳. نیل، شون، کارول، کریس، (۱۳۳۰) کاربرد زبان بدن در تدریس (زبان‌های مطلقاً شایسته)، ترجمه‌ی گوش فیضی واجارگاه و محمد جمالی تازه کند، تهران: پال.

که معلمان سرزنده موفق می‌شوند، بیشتر از دیگران دانش‌آموزان را درگیر درس کنند و بیشترین میزان یادگیری را برای آن‌ها فراهم آورند. (همان: ۱۷۹).

آن دانش‌آموز آرام سر جای خود نشست و به من نگاه کرد. گویا صدای هیچ‌کس را نمی‌شنید. به نظرم هنوز در فکر واکنش متفاوت من با پرخاش خودش بود. دانش‌آموزان از جا برخاستند. به احترام آن‌ها چند لحظه ایستادم تا همه بنشینند. بعد از فعالیت‌های مقدماتی، درک مطلب درس فارسی را بررسی کردیم. در ابتدا تمایل به صحبت نداشتند. سعی کردم فضای آموزشی را برای اظهار نظرشان مهیا کنم. آدلر^۱، نظریه‌پرداز روان‌شناسی فردی، با بیان نیاز انسان‌ها به امید و شهادت چنین توصیه می‌کند: «برای تقویت احساس تعلق به جامعه، باید حالت یأس و ناامیدی را به امیدواری و تجربه موفقیت تبدیل کنیم» (شفیع‌آبادی، ۱۳۹۰: ۱۱۲).

چند نفر از دانش‌آموزان هم‌زمان صحبتشان را شروع کردند. جو شاد و فعالی ایجاد شده بود. در میان صحبت‌ها یک بار به نیمکت آن دانش‌آموز نزدیک شدم و با اشاره‌ای او را متوجه کردم او هم نظر دهد. در پایان چند دانش‌آموز گفتند: «خانم، این متفاوت‌ترین فعالیت درک مطلبی بود که تا الان انجام داده‌ایم.»

در اوایل آبان‌ماه آموزش‌گاری پایه‌ی پنجم همان کلاس شدم. به همراه مدیر دبستان به داخل کلاس رفتم. آموزش‌گاری قبلی از دانش‌آموزان خداحافظی کرد. چهره‌ی بعضی از آن‌ها ناراحت و نگران به نظر می‌رسید. مدیر و آموزش‌گاری قبلی بیرون رفتند و در کلاس را بستند. رسالت خطیری بر عهده گرفته بودم. یکی از دانش‌آموزان بغض کرده بود. بعد از سلام و احوال‌پرسی مجدد، حضور و غیاب و آشنایی با بچه‌ها، از جا برخاستم. با این حرکت به یک‌باره توجه همه جلب شد. برخاستنم برخاستنی ساده نبود، بلکه روشی برای برقراری تعامل و به‌کارگیری مهارت‌های ارتباط غیرکلامی تلقی می‌شد.

پس از گذراندن یک‌ماه از سال تحصیلی با فعالیت‌های متنوع، ایجاد فرصت اظهار نظر، محترم‌شمردن دانش‌آموزان، به‌کارگیری روش‌ها و راهبردهای متنوع تدریس و همچنین تهیه‌ی رسانه‌های آموزشی، فضایی فراهم شده بود که دانش‌آموزان با شوق و ذوق در کلاس حاضر می‌شدند.

توکل بر خدا و باور قلبی به دانش و مهارت‌هایم وارد کلاس شدم. جمله‌های پرمعنا کتاب کاربرد زبان در تدریس برایم تداعی می‌شد: «تسلط^۱ داشتن به معنای تحکم کردن نیست؛ بلکه باعث نفوذ بر رفتار دیگران می‌شود» (نیل و کازول، ۱۳۹۳: ۱۸۶). روی صندلی آموزش‌گاری نشستم. خوب به صندلی تکیه کردم. حضور و غیاب انجام دادم. به آرامی از صندلی فاصله گرفتم و به میز نزدیک شدم تا ارتباطی مؤثر برقرار شود. چند دانش‌آموز گفتند: «خانم، خودمان می‌دانیم، موضوعمان نقاشی آزاد است.» برایشان توضیح دادم که نقاشی آزاد نوعی فعالیت هنری محسوب می‌شود. فعالیتی را که در نظر گرفته بودم شرح دادم. چنان شوق و رغبتی در آن‌ها ایجاد شده بود که پیش از اتمام توضیحات، وسایل موردنیاز را آماده کردند.

یک بار هم برای آموزش‌گاری پایه‌ی پنجم مشکلی پیش آمده و کمی دیرتر در مدرسه حاضر شده بود. قبل ورود به کلاس، متوجه رفتار پرخاشگرانه‌ی دانش‌آموزی در سالن شده بودم. بدون هیچ صحبتی با لبخند دستم را جلو بردم و تعارف کردم وارد کلاس شود. پس از او با اعتمادبه‌نفس و نشاط وارد کلاس شدم. بررسی و مطالعات روزن‌شاین^۲ درباره‌ی اشتیاق معلم^۳ و پیشرفت دانش‌آموزان^۴ گواه آشکاری است



طرح درس

محمد سبحانی

آموزگار سابق دوره‌ی ابتدایی، معاون آموزشی

مدرسه‌ی صدرا، قم



طرح‌درس نمایش‌محور یکی دیگر از روش‌های طرح‌درس‌نویسی است که در آن، دانش‌آموزان درگیر نمایش می‌شوند و متناسب با آن، کارهای گوناگونی انجام می‌دهند. نمایش، با توجه به خلاقیت مربی، می‌تواند به‌گونه‌ای باشد که خود بچه‌ها آن را پیش ببرند یا اینکه از پیش تعیین شده باشد و دانش‌آموزان صرفاً درگیر شوند، از آن لذت ببرند و کاربرد برخی از درس‌هایشان را ببینند. مربی می‌تواند از انواع گوناگون نمایش برای طرح‌درس خود استفاده کند؛ مثل نمایش عروسکی، نمایش صوتی، نمایش تصویری و ...

مثال ۱: جنگل چاتانا با قالب نمایش تصویری عروسکی

اهداف آموزشی: آموزش مبحث آلودگی در علوم، تقویت روحیه‌ی کمک به دیگران، پرورش تفکر و قدرت تحلیل.

طراحان: محمد سبحانی، محمدحسین نصیری، علی‌اصغر زند، امین حسن‌پور

ماجرا و شخصیت‌های داستان

داستان شخصیت‌های متعددی دارد؛ اما شخصیت اصلی داستان خرگوشی به نام فسقلی و راوی نمایش لاک‌پستی پیر به نام لاک‌ی است. سرزمین چاتانا با مشکلاتی روبه‌رو شده است. فسقلی و میمونک (میمونی که شخصیتی طنز دارد) برای نجات سرزمین چاتانا با هم همراه می‌شوند تا به سرزمین دور بروند و چاتانا را نجات دهند؛ زیرا به آن‌ها گفته شده بود راه‌حل شما در سرزمین دور است. باید به آنجا بروید و آن را ببینید. در راه مشکلاتی برایشان پیش می‌آید. آن‌ها با کمک بچه‌ها این مشکلات را حل می‌کنند و پیش می‌روند.

متن یکی از قسمت‌های نمایش‌نامه

لاکی: به نام خدایی که همه‌ی زیبایی‌ها رو آفرید. سلام گل‌پسرای عزیزم. حالتون چطوره؟ خوبید؟

همه‌تون تونستید رمز رو پیدا کنید؟ باریکلا به شما! میمونک و فسقلی هم تونستن از چاتانا خارج بشن و همه‌ی حیوونای جنگل براشون دعا کردن که موفق بشن چاتانا رو نجات بدن. اونا راه خطرناکی رو پیش رو داشتن... (مربوط به فعالیت و روز قبل نمایش است). بعد از خروجی میمونک گفت: وای اینجا رو! فسقلی، من تا حالا بیرون چاتانا رو ندیده بودم! چقدر بزرگه!

فسقلی: میمونک، اینجا هم شبیه همون چاتاناست. نگاه کن.

میمونک: نه بابا فرق داره. اینجا درختاش سبزه.

فسقلی: تو چاتانا درخت‌ها صورتیه؟!

میمونک: نه اونجا هم سبزه.

فسقلی: پس فرقی چیه؟

میمونک: اووممم نمی‌دونم. ولم کن. فرق داره دیگه.

فسقلی: باشه.

لاکی: بله بچه‌ها، فسقلی و میمونک همین‌طوری رفتن و رفتن. حدود ظهر بود و هوا روشن، بچه‌ها به آسمون نگاه کردن و یکهو دیدن یه ابر سیاه داره به‌سمت اون‌ها می‌آد. **میمونک:** فسقلی! اونجا رو! یه حیوون وحشی داره می‌آد سمت ما! الان ما رو می‌خوره!

فسقلی: میمونک، اون فقط یه ابره. فقط رنگش سیاهه.



چون داره می‌ره سمت چاتانا و آگه به اونجا برسه، همه رو مریض می‌کنه و حال همه بدتر می‌شه.

میمونک: ما باید بریم. کاری ازمون بر نمی‌آد.

فسقلی: نه، راست می‌گه، ما باید یه کاری بکنیم و گرنه وقتمون کمتر می‌شه و چاتانا زودتر نابود می‌شه.

فندق: ایسن دود هر روز از اینجا رد می‌شه و می‌آد تو چاتانا. فقط هم همین یه دونه ابر که می‌بینید نیست. باید یه کار اساسی انجام بدید. این آلودگی از سرزمین انسان‌ها می‌آد و باید یه فکری براش کرد.

میمونک: پس به خاطر همینسه که چند وقته گلوم می‌سوزه. حتی ممکنه آب‌ها هم آلوده بشن!

قارقارک (کلاغ) از راه می‌رسد و می‌گوید: سلام، قار قار. بچه‌ها خسته نباشید. لاکی به من گفت هر وقت کمک خواستید پیام کمکتون؛ ولی همیشه نمی‌تونم پیشتون باشم. بگین بینم چی شده؟

فسقلی: قارقارک، وقت توضیح دادن نداریم. فقط می‌خوایم یکی بره سرزمین آدم‌ها و بهشون بگه که اینجا پر از آلودگی شده. بگه یه کاری کنن که آلودگی کم بشه. **قارقارک:** شماها به من بگید که بگم چی کار کنن؟

....

لاکی: خب، همون طور که دیدید بچه‌ها درگیر آلودگی شدن. شماها بنویسید و بگید که قارقارک چه پیغامی واسه آدم‌ها بیره؟ پنج تا پیشنهاد یا بیشتر بنویسین و بگین آدم‌ها باید چه کار کنن که چاتانا و جنگل‌های دیگه به خطر نیفته و حال حیوونای جنگل خوب باشه؟

این نمایش برای عید نوروز دانش‌آموزان، در قالب یک نمایش تصویری عروسکی آماده و به‌صورت تکه‌فیلم (کلیپ) برای آن‌ها فرستاده شد. آنچه بیان شد، قسمت‌هایی از بخش اول این نمایش بود. در قسمت بعدی شخصیت‌ها نخست از بچه‌ها تشکر می‌کنند که فکر کردند و راه‌حل نوشتند. سپس بدون گفتن جواب به ادامه‌ی مسیر می‌پردازند. از اولیا هم خواسته شده بود تا دانش‌آموزان فعالیت را انجام نداده‌اند، قسمت بعدی برایشان گذاشته نشود. بچه‌ها راه‌حل‌های خوبی با کمک پدر و مادر و دیگران در پیکشان نوشتند و سعی کردند در داستان این مسئله را حل کنند.

در ادامه‌ی نمایش بچه‌ها درگیر موضوعات دیگری می‌شوند که اهداف آموزشی دیگری را پوشش می‌دهد و به حل آن‌ها می‌پردازند تا در نهایت جنگل چاتانا نجات پیدا می‌کند. بعد از عید در مورد پیک و راه‌حل بچه‌ها در پیک گفت‌وگو شد.

نکته: می‌توان طرح‌درس را به گونه‌ای متناسب با پایه‌ی بچه‌ها و اهداف آموزشی مدنظر و حتی به‌عنوان نوعی فعالیت انگیزشی برای تثبیت برخی از درس‌ها نوشت.

(فسقلی و میمونک به سرفه می‌افتند)

فسقلی (با حالت سرفه): چرا این‌جوری شدیم؟

فندق (فیل) وارد صحنه می‌شود و به فسقلی و میمونک ماسک می‌دهد.

فسقلی (با حالت سرفه): سلام. این دیگه چیه؟ تو دیگه کی هستی؟

فندق: سلام. من مدت‌هاست توی این سرزمین زندگی می‌کنم. اسمم فندقه، این هم ماکسه.

(فندق چند عطسه می‌کند.)

میمونک: این دیگه کیه؟ بابا خدا به دادمون برسه!

فسقلی: خوشبختم آقای فندق. ممنونم بابت ماکسات، البته فکر کنم اسمش ماسکه‌ها!

فندق باز هم عطسه می‌کند و می‌گوید: حالا هر چی.

میمونک: آقای فندق، جلوی دهنست رو بگیر. خیس شدیم.

فندق: شماها خودتون رو معرفی نمی‌کنید؟

فسقلی: آخ‌آخ! ببخشید. من فسقلی و این هم دوستم میمونک. ما قراره چاتانا رو نجات بدیم.

فندق: هههه، شماها؟

میمونک: مگه ما چمونه؟!!

فندق: هیچی، ولی باید اول این آلودگی رو برطرف کنید؛



مثال ۲: کارآگاه پنبه‌ای با قالب نمایش صوتی

اهداف آموزشی: درس گرما و سرما در علوم؟
طراحان: محمد سبحانی، مرتضی شمس‌آبادی، محمدحسین نصیری، علی اصغر زند

برای دانش‌آموزان یک بازی با قالب نمایش صوتی طراحی شد. در این نمایش بچه‌ها به گروه‌های چهار یا پنج‌نفره تقسیم شدند. نام شخصیت اصلی نمایش «کارآگاه پنبه‌ای» بود. کارآگاه پنبه‌ای ابری بود که از سیاره‌ای دورافتاده به سمت سیاره‌های دیگر حرکت کرده بود تا برای سیاره‌ی خود کمک ببرد. در طی مسیر او با بچه‌های پایه‌ی دوم آشنا می‌شود و از آن‌ها کمک می‌خواهد.

بچه‌های هر گروه یک آهن‌ربا (مگنت) داشتند. هر هفته عکس سیاره‌ای که چند شماره، مانند مار و پله روی آن مشخص شده بود، روی تخته چسبانده می‌شد. هر گروهی که در هر سیاره برنده می‌شد، نخست، گروه‌های دیگر را با خود به سیاره‌ی بعدی می‌برد. سپس اسم سیاره‌ی بعدی را انتخاب می‌کرد. بچه‌ها باید در کلاس، صوت داستان را گوش می‌دادند و مربی متناسب با داستان از بچه‌ها کار عملی می‌خواست.

در این قسمت پنبه‌ای و دوستانش وارد سیاره‌ی خرس قطبی می‌شوند و سعی می‌کنند در طی داستان یخ‌ها را آب کنند یا کاری کنند یخ‌ها دیرتر آب شوند. بخشی از متن این نمایشنامه‌ی صوتی را می‌توانید در ادامه مطالعه کنید. (مربی‌ها با تقلید صدا به جای شخصیت‌های داستان سخن می‌گویند و صوت داستان برای بچه‌ها در هر بخش پخش می‌شود.)

بخش اول

راوی: هر قدر به سیاره‌ی خرس قطبی نزدیک می‌شدند، هوای اطرافشان بیشتر سرد می‌شد. تا جایی که هنوز وارد سیاره نشده بودند، همه شروع به لرزیدن کردند و دندان‌هایشان به هم می‌خورد.

اژدها چشم‌هایش را بست و به سمت سیاره شتاب گرفت. هوای سرد با باد شدیدی که پرواز اژدها درست می‌کرد به گروه نجات می‌خورد و سرما را بیشتر و بیشتر می‌کرد. از جو سیاره عبور کردند و دیدند که همه‌جا را برف پوشانده است. اژدها که نمی‌دانست این برف‌ها چقدر لیز هستند، نتوانست خوب فرود بیاید و روی برف‌ها سر خورد. نزدیک بود گروه از ترس بمیرند که پای اژدها به سنگی گیر کرد و یک‌دفعه افتاد و متوقف شد. همه‌ی گروه هم روی برف‌ها پرت شدند.

پاستیل خرسی نارنجی: عجب برفی! وااای... چه سرده! **بازیکن:** باید زودتر لباس‌های پشمی مخصوص بپوشید و الا تبدیل به گلوله‌های برفی می‌شید. باید همه با هم

پنگوئن رو صدا کنیم. با شمارش من همه می‌گیریم: پنگوئنی. آماده! یک... دو... سه... .

همه: پنگوئنی، پنگوئنی، پنگوئنی.

راوی: صدای عجیبی آمد. کلاغ‌ها برگشتند و یک گلوله‌ی بزرگ برف را دیدند که به سمتشان می‌آید. تا خواستند قارقار کنند و به بقیه اطلاع بدهند، گلوله رسید و همه را پرت کرد روی برف‌ها.

پنبه‌ای: ای بابا!!! ما که مدام داریم این طرف و اون طرف پرت می‌شیم.

پنگوئنی (با خنده): خوش اومدید. ببخشید، خواستم بهتون خوش آمد بگم.

بازیکن: وااای! درست همون شکلی که توی نامه‌ها ت گفته بودی هستی!

پنگوئنی: یعنی تو...! تو...! آبنوس تویی؟!

راوی: بچه‌های گروه تازه فهمیدند اسم بازیکنی که همراهشان آمده، آبنوس است. دو دوست همدیگر را در آغوش گرفتند.

گنجشک کوچولو: پس چرا به ما نگفتی که اسمت آبنوسه؟ (جیک جیک می‌کند)

آبنوس: من اسمم رو فقط به اون‌هایی می‌گم که چند وقت باهاشون دوست باشم و دوستی مون طولانی شده باشه. الان دیگه شما هم می‌دونید دوستای خوب من.

پنگوئنی: خب، دوست‌ها ت باید لباس پشمی بپوشن؛ ولی پدر بهشون لباس نمی‌ده، مگر اینکه سنت خاندان ما رو به نشانه‌ی احترام انجام بدن.

راوی: گروه به همراه پنگوئنی از بین تپه‌های متعدد برفی عبور کردند و خودشان را به لانه‌های بامزه‌ی خاندان رساندند. پدر پنگوئنی بیرون آمد. وقتی فهمید گروه، لباس می‌خواهند، رفت پشت لانه و با کلی یخ برگشت.

پنبه‌ای: این‌ها رو باید چی کار کنیم؟

پدر: داخل لونه هوا گرمه. باید برید داخل لونه؛ اما یه کاری کنید که این یخ‌ها دیرتر آب بشن. هرچی دیرتر بهتر.

راوی: کلاغ‌ها توی گوش هم پیچ می‌کردند. **بزرگ‌کلاغ‌ها گفت:** این قدر «یک کلاغ، چهل کلاغ» نکنید. کاریه که باید انجام بدیم. البته اگر نمی‌خواید از سرما منجمد بشید!

بخش دوم

وقتی در نهایت همه‌ی یخ‌ها آب شدند، پدر پنگوئنی به ساعتش نگاه کرد و با لبخند گفت: خوبه. حالا بیایید بیرون.

پدر دوباره رفت پشت لانه و با کلی یخ برگشت. اژدها توی دلش گفت: ای بابا، باز هم؟! و یک عطسه‌ی آتشین کرد و یک دایره‌ی برف روی زمین را آب کرد.



نظارت می‌کرد و به هر گروه امتیاز می‌داد. بعد از انجام این فعالیت، مربی یک کاسه یخ دیگر به هر گروه داد و از آن‌ها خواست تا کاری کنند که دیرتر آب شود. باز هم فرایند بالا اجرا شد. بچه‌ها پس از بحث و گفت‌وگو دست به کار شدند. گروهی یخ را در سایه گذاشتند تا دیرتر آب شود. گروهی هم درخواست استفاده از یخچال مدرسه را کردند که مربی اجازه‌ی استفاده از یخچال را نداد. گروه دیگر یخ را در سایه قرار دادند و با برگ روی یخ را پوشاندند. یک گروه هم کمی باغچه را کردند. ابتدا آب ریختند و با برگ زیر آن را پوشاندند و بعد کاسه را روی برگ‌ها قرار دادند و روی آن را نیز با برگ پوشاندند. در پایان بچه‌ها جمع شدند و نظرات خود را بیان کردند و از کار خود دفاع کردند. مربی هم نظارت می‌کرد و امتیاز می‌داد. در نهایت در مورد سرما و گرما نکات تکمیلی گفته شد.

نکته: می‌توان برخی از فعالیت‌ها را گروهی انجام داد و برخی به صورت فردی صورت بگیرد. همچنین می‌توان فعالیت‌های گوناگونی را در همین قالب و متناسب با درسی که قرار است به بچه‌ها بدهیم یا قرار است آن درس را تمرین کنیم، بیاوریم و حتی می‌توان از درس‌های دیگر نیز در این طرح درس استفاده کرد یا حتی متناسب با کلاس، طرح درس را تغییر داد.

همه به اژدها چشم‌غره رفتند که وقتی عطسه می‌کنی، باید جلوی دهانت را بگیري! بیچاره اژدها هم عذرخواهی کرد. **پدر:** حالا باید به کاری کنید که این یخ‌ها زودتر آب بشن! پدر یخ‌ها رو بین گروه پخش کرد. اژدها توی دلش می‌خندید و می‌دونست چی کار کنه تا یخی که در دست اوست، زودتر از همه آب شود.

در اینجا مربی به هر گروه یک تکه یخ در کاسه داد و از آن‌ها خواست تا راه‌حل خود را پیدا کنند و آن را انجام دهند.

بچه‌های هر گروه سعی کردند تا راه‌حلی پیشنهاد دهند. از مربی کمک خواستند و مربی از آن‌ها خواست تا با هم‌فکری راهی بیابند. بچه‌ها دست به کار شدند. پس از بحث و گفت‌وگو در هر گروه، هر کس راهی پیشنهاد داد و اعضای گروه با او همراه شدند. یکی از گروه‌ها یخ را در حیاط مدرسه و زیر آفتاب گذاشت تا زودتر آب شود. یک گروه تقاضای آتش کرد و مربی به آن‌ها گفت که چنین امکانی را نداریم. گروهی دیگر یخ را زیر شیر آب گرفت و سعی کرد تا با فشار آب و ترکیب آب و یخ، مسئله را حل کند. گروهی دیگر هم از خاک‌های گرم روی یخ ریخت و سعی کرد یخ را با خاک مخلوط کند تا آب شود. مربی نیز

آقای شمس (باهم)

مرتضی شمس آبادی
آموزگار و نویسنده



هفته‌ی آینده باید جمع
سهرقمی‌ها رو شروع کنیم. دیگه
مغزم نمی‌کشه! طرح‌درسی هم
ندارم. راستی اسدی پارسال هم
معلم همین پایه بود؟



سلام آقای
شمس.

اسدی جان
سلام.

برای جمع و تفریق سهرقمی
طرح‌درسی از پارسال داری؟ دوست
دارم طوری به بچه‌ها این مبحث رو
بگم که خوب بتونن ماهیت روش
جمع و تفریق رو یاد بگیرن؛ اما
نمی‌دونم چطوری!!

حمت
گرم!



طرح‌درس که... آها! من پارسال
براش یه داستان نوشتم. قبل از اینکه
وارد تدریس و تمرین بشیم، داستان
رو برای بچه‌ها خوندم و بچه‌ها هم
خیلی خوششون اومد. از اون به بعد
هر وقت جمع سهرقمی داشتیم، یاد
اون داستان می‌افتادن؛ ولی اینجا
ندارمش. شب رسیدم خونه برات
می‌فرستم. راستی پارسال یادمه
پورحساب هم برای ریاضی یه کارهایی
کرده بود. یه سر بهش بزن.



ام... راستش نه... ولی یه سال که
دانش‌آموزام تو این مبحث ضعف داشتند
مجبور شدم کار برگ‌های زیادی براشون
آماده کنم که براشون جا بیفته. اون‌ها رو
بهت می‌دم. خوبه؟



بمب! آقا شمس! اتفاقاً کارت داشتیم. اون
روز نامه‌دیواری چرخه‌ی آب رو که درست کرده
بودی، می‌شه بهم بدی؟ برای درس فردا لازم دارم.

چرا نمی‌شه؟ به شرطی که تو هم یه
کمکی بکنی. می‌شه بگی چطوری به
بچه‌ها مبحث جمع و تفریق سهرقمی
رو توضیح بدم که براشون جذاب باشه و
خوب جا بیفته؟



چرا که نه؟!

سرراحت می‌تونم این جعبه‌ها رو ببری
کارگاه پیش آقای زندگی؟



کریمی چه خوب
توضیح داد! ولی
انصافاً چیزی که
ساختن، برای
درس دادن حرف
نداره!



آقا احسانی، برای
جمع و تفریق سهرقمی
فعالیتی سراغ داری؟



احسانی: من برای ضرب، یه بازی
شبیه استپ هوایی ساخته بودم که
به صورت گروهی و سرعتی انجام می شد.
فکر کنم بتونیم با کمی دست کاری برای
جمع و تفریق هم ازش استفاده کنیم.



پنجره‌ی روابط در کلاس درس

تفاهم دوطرفه بین افراد یک گروه است. به عبارت دیگر، پنجره‌ی جوهری الگویی است که به افراد کمک می‌کند تا در روابط با دیگران، خودشان و همراهانشان را بهتر بشناسند. این الگو به تقویت مهارت‌های همدلی، همکاری و تعاون و همچنین پیشرفت بین گروهی و میان‌فردی می‌پردازد و آگاهی عمیقی از خود و دیگران فراهم می‌سازد. دانش‌آموزان و کلاس درس گروه منسجمی‌اند که بیشترین ارتباط را در طول سال تحصیلی با یکدیگر دارند و بخش اعظمی از یادگیری آنان در گرو این ارتباط گروهی صورت می‌گیرد. معلم به‌عنوان رهبر و سرپرست گروه و با استفاده از این ابزار می‌تواند خودآگاهی خود و دانش‌آموزانش را تقویت کند و مهارت‌های بین‌فردی مذکور را پرورش دهد.

پنجره‌ی جوهری چه بخش‌هایی دارد؟

پنجره‌ی جوهری از تلاقی دو محور شکل گرفته است. محور اول میزان آشنایی دانش‌آموزان یا معلم با طرف مقابل است. میزان شناخت دانش‌آموز و معلم به دو بخش آشنا (دارای شناخت) و ناآشنا (بدون شناخت) تقسیم می‌شود و محور دوم درباره‌ی خودآگاهی معلم یا دانش‌آموز در مورد خودش است؛ معلم یا دانش‌آموز

مرتضی فاضل
استاد دانشگاه



یکی از الگوهای بررسی ارتباط با دیگران و برقراری اعتماد با آنان نظریه‌ی «پنجره‌ی جوهری» است. این دیدگاه در مباحث روان‌شناسی و مدیریتی بارها مورد توجه قرار گرفته؛ اما برای بررسی تعامل در کلاس درس کمتر به آن پرداخته شده است. در کلاس درس هر چقدر معلم درک بهتری از دانش‌آموزان داشته باشد و با آنها ارتباط بیشتری برقرار کند، زمینه‌ی رابطه‌های صمیمانه و اعتماد بیشتری را فراهم می‌کند. به کمک این روش معلم می‌تواند اعتمادسازی بین خود و دانش‌آموزانش را میسر سازد. همچنین از طریق بازخوردهای ردوبدل شده، بین معلم و دانش‌آموزان، معلم ویژگی‌های خود و دانش‌آموزانش را بهتر می‌شناسد و خودآگاهی خود و آنان را نیز افزایش می‌دهد. این نوشتار به معرفی الگوی پنجره‌ی جوهری، نواحی چندگانه‌ی آن و فنونی برای افزایش تعامل بر اساس این الگو در کلاس درس پرداخته است.

کلیدواژه‌ها: پنجره‌ی روابط، روابط در کلاس، پنجره‌ی جوهری

پنجره‌ی روابط یا پنجره‌ی جوهری چیست؟

در سال ۱۹۹۵، دو فرد به نام‌های جوزف لافت و هری اینگهام الگوی پنجره‌ی جوهری را ارائه کردند. پنجره‌ی جوهری نام خود را از اول اسم‌های این دو فرد گرفته است. الگوی پنجره‌ی جوهری ابزاری ساده و مفید برای به تصویر کشیدن و تقویت خودآگاهی و درک و



به چه میزان به خودش آگاهی دارد؟ این محور نیز به دو بخش آگاه از خود و ناآگاه از خود تقسیم شده است. ترکیب دو بعد محور اول با دو بعد محور دوم موجب ایجاد چهار بخش یا چهار پنجره در رابطه می‌شود. اندازه‌ی این چهار بخش، با توجه به فرد حاضر در گروه یا کلاس درس، می‌تواند تغییر کند. در ادامه، به بررسی چهار بخش پنجره‌ی جوهری می‌پردازیم.

بخش اول: ناحیه‌ی آشکار یا ناحیه‌ی باز

بخش اول اطلاعاتی را درباره‌ی خود معلم یا دانش‌آموز در بر دارد که هم معلم و هم دانش‌آموز از آن اطلاعات خبر دارند. به عبارت بهتر این ناحیه همان نکاتی است که هر فردی در مورد خودش می‌داند و دیگران نیز از آن‌ها آگاه هستند یا اطلاعاتی دریافت می‌کنند. این اطلاعات عبارت‌اند از:

● **اطلاعات واقعی:** اطلاعات شخصی مانند سن، محل تولد و محل زندگی، تعداد فرزندان، اعضای خانواده، علایق و مسائلی که مرتبط با خانواده و روابط خارج از شغل و مدرسه‌اند.

● **احساسات:** عواطف و هیجانات گوناگونی که در زندگی شخصی و شغلی هر کس تجربه می‌شود.

● **رفتارها:** ویژگی‌های رفتاری نظیر نحوه‌ی صحبت کردن و طرز برخورد و تعامل با دیگران که همه می‌توانند به وضوح در فرد مشاهده کنند.

● **افکار:** نگرش، بینش، اندیشه‌ها و باورهایی که شخص به آن‌ها اعتقاد دارد و بر اساس آن‌ها رفتار می‌کند.

● **خواسته‌ها:** اهداف، خواسته‌ها، قوانین و مقرراتی که در کلاس درس به اجرا گذاشته می‌شود.

● **انگیزش:** آنچه در فعالیت شغلی و تحصیلی برای شخص مهم است و باعث می‌شود معلم یا دانش‌آموز به تلاش و کوشش واداشته شود.

● **دانش و مهارت:** اطلاعات و توانمندی‌های خاصی که فرد در طول زندگی شخصی و حرفه‌ای خود کسب کرده است.

در برقراری ارتباط معلم با دانش‌آموزان هدف این است که معلم و اعضای کلاس موارد گفته‌شده را با یکدیگر ردوبدل کنند. ناحیه‌ی آشکار می‌تواند به‌عنوان فضایی تلقی شود که ارتباطات خوب و همکاری‌های فارغ از انحراف، بدگمانی، تعارض و سوءتفاهم در آن فضا رخ می‌دهد. معلم و دانش‌آموزانی که برای بیش از یک سال یا مدت طولانی‌تری در کنار هم بوده‌اند، ناحیه‌ی باز بزرگ‌تری نسبت به کلاس‌های درسی که تازه شکل گرفته‌اند، دارند.

دانش‌آموزان جدید ناحیه‌ی باز کوچکی دارند؛ چراکه آن‌ها کمتر یکدیگر را می‌شناسند. وسعت و اندازه‌ی ناحیه‌ی باز از طریق درخواست و دریافت فعالانه‌ی بازخوردها از سایر اعضای کلاس گسترش می‌یابد. این فرایند به «درخواست بازخورد» هم شناخته می‌شود. هر چقدر فضای بازخورد در کلاس درس بیشتر مهیا باشد و افراد به‌راحتی و بدون ترس و تهدید نظراتشان را بیان کنند و به‌آسانی خودافشایی کنند، ناحیه‌ی باز گسترش‌یافته‌تری پیدا می‌کنند. برای توسعه‌ی ناحیه‌ی باز دانش‌آموزان در کلاس درس توجه به این نکات ضروری است:

● معلم باید برنامه‌ای ترتیب دهد تا دانش‌آموزان، در





همان روزهای اول در کلاس درس، نام و مشخصات دوستانشان را به خوبی به خاطر بسپارند. معلم در این زمینه می‌تواند چند مسابقه‌ی هیجان‌انگیز برگزار کند.

● معلم برنامه‌ای اتخاذ کند تا دانش‌آموزان احساسات خود را در کلاس درس به او و دانش‌آموزان دیگر بیان کنند.

● معلم در کلاس درس گاهی بچه‌ها را با نام کوچکشان خطاب کند تا احساس صمیمیت بیشتری فراهم شود.

● معلم گاهی از تجربه‌های زندگی شخصی‌اش برای بچه‌ها سخن بگوید.

● معلم از واژه‌ی «من» همراه با بیان احساساتش در گفت‌وگو با دانش‌آموزان استفاده کند؛ مثلاً «من ناراحت می‌شوم وقتی می‌بینم شما حین صحبت‌های من حواستان پرت است» یا «من از اینکه می‌بینم دانش‌آموزی تکالیفش را مرتب می‌نویسد واقعا لذت می‌برم».

● معلم ارتباط چشمی را هنگام گفت‌وگو با دانش‌آموزان حفظ کند.

● معلم در ارتباط با دانش‌آموزان سعی کند بیشتر گوش‌دهنده‌ی فعال و پذیرا باشد.

● معلم از دانش‌آموزان بخواهد از تجربه‌های خود و خانواده‌شان سخن بگویند و در درس‌هایی مثل انشا فرصت بیان تجربه‌های حقیقی زندگی را به آن‌ها بدهد.

بخش دوم: ناحیه‌ی کور

بخش دوم مربوط به اطلاعات و ویژگی‌هایی است که دیگران در مورد شخص می‌دانند؛ اما برای خود فرد ناشناخته است. از طریق دریافت بازخورد از دیگران و جست‌وجو می‌توان و لازم است ناحیه‌ی کور را کاهش داد و بر وسعت ناحیه‌ی باز یا آشکار افزود. ناحیه‌ی کور ناحیه‌ی ناآگاهی و بی‌خبری از خویشستن است که ممکن است برای معلم و دانش‌آموزان اتفاق بیفتد. ویژگی‌های شخصیتی و رفتاری‌ای وجود دارند که شاید معلم یا دانش‌آموزان خودشان از آن‌ها اطلاعی نداشته باشند، اما چون

در کلاس درس تمامی جزئیات رفتاری افراد زیر ذره‌بین نگاه و توجه دقیق تعداد زیادی از دانش‌آموزان قرار می‌گیرد، آن‌ها به‌خوبی توسط دیگران شناخته می‌شوند. دانش‌آموزان می‌توانند با بازخورد دقیق خویش به شناسایی ناحیه‌ی کور دوستان و معلمشان کمک کنند. کاهش ناحیه‌ی کور شخصیت معلم و دانش‌آموز، علاوه بر توسعه‌ی ارتباط، موجب می‌شود آنان استعداد، توانمندی‌ها و نقاط قوت و ضعف خودشان را بشناسند و به تعبیر بهتر رشد و توسعه‌ی شخصی داشته باشند. چه‌بسا معلمی که خودش فکر می‌کند با دانش‌آموزان منصف و مهربان است، اما در واقعیت و از نگاه مجموع دانش‌آموزان این‌چنین نیست. بارها نیز دیده شده است که دانش‌آموزان از ویژگی‌های رفتاری خویش آگاهی نداشته‌اند و با نظرخواهی از تعداد زیادی از دوستانشان کم‌کم ویژگی‌های خویش را پذیرفته‌اند؛ لذا یکی از راهکارهای رسیدن معلم به رشد و توسعه‌ی شخصی دریافت مستمر نظرات دانش‌آموزان است، به‌شکلی که هویت آنان ناشناخته بماند و آنان بتوانند بدون ترس و نگرانی نظرات خود را به‌راحتی بیان کنند. همچنین معلم می‌تواند برای اینکه ناحیه‌ی کور دانش‌آموزانش آشکار شود، از فن صندلی داغ استفاده کند. برای اجرای این فن در کلاس درس باید به این موارد توجه شود:

- فن صندلی داغ روشی است که تا حدودی اضطراب ایجاد می‌کند و برای اجرای آن لازم است از دانش‌آموزان غیرمضطرب، علاقه‌مند و داوطلب استفاده شود.

- لازم است این فن در اواسط سال اجرا شود تا دانش‌آموزان شناخت نسبی به هم‌کلاسی‌هایشان داشته باشند.

- در این فن لازم است معلم دانش‌آموز داوطلبی را که روی صندلی داغ نشسته است، هنگامی که مورد هجوم و فشار شدید دوستان قرار می‌گیرد، مورد توجه و حمایت قرار دهد و مانع از کینه‌ورزی برخی دانش‌آموزان شود.

- دوستان فردی که روی صندلی داغ نشسته است، صرفاً لازم است ویژگی‌های مثبت و منفی رفتاری را که او می‌تواند تغییری در آن‌ها ایجاد کند بیان کنند.

- در چنین فنی فرد در ابتدا حق مخالفت ندارد



و صرفاً شنونده‌ی فعال است؛ البته در پایان فرصت پاسخگویی یا انکار سخنان دیگران را دارد.

● چنین فنی چون آگاهی عمیقی برای فرد ایجاد می‌کند و نقاط کور و پنهان شخصیت او را بر ملا می‌سازد؛ لذا می‌تواند آثار تربیتی زیادی داشته باشد و تغییرات زیادی در فرد ایجاد کند.

● برای اجرای این فن در کودکان بهتر است از ویژگی‌های مثبت آن‌ها شروع و به تدریج به دانش‌آموزان اجازه داده شود سراغ ویژگی‌های منفی بروند.

بخش سوم: ناحیه‌ی پنهان

بخش سوم که ناحیه‌ی پنهان یا پوشیده نام دارد، شامل ویژگی‌ها و اطلاعاتی است که برای معلم یا دانش‌آموز شناخته شده است؛ اما او این اطلاعات را از دیگران پنهان می‌کند. زمانی که معلم با دانش‌آموزان یا دانش‌آموزان با یکدیگر ارتباط عمیق‌تری برقرار می‌کنند و اعتماد بیشتری بین آن‌ها شکل می‌گیرد، آن‌ها از طریق خودافشایی، اطلاعات بیشتری را درباره‌ی خودشان با دیگران در میان می‌گذارند و از وسعت ناحیه‌ی پنهان خویش می‌کاهند. ناحیه‌ی پنهان شامل حریم شخصی افراد، حساسیت‌ها، نیت‌های پنهانی و رازهای فرد است. ناحیه‌ی پنهان آن چیزی است که هر فرد در مورد خودش اطلاع دارد؛ ولی لازم نمی‌داند دیگران از آن اطلاع داشته باشند. البته افراد نیازمند حریم خصوصی و پنهانی هستند و به هیچ‌وجه شایسته نیست این ناحیه‌ی پنهان به صورت ناگهانی و به‌طور کامل آشکار شود؛ اما گاهی ناحیه‌ی پنهان هر فرد آن‌قدر وسیع است که اجازه‌ی رشد و توسعه به ناحیه‌ی باز نمی‌دهد. در کلاس درس، معلم ضمن حفظ حریم شخصی خود و دانش‌آموزانش لازم است در کاهش ناحیه‌ی پنهان خویشتن و دانش‌آموزانش اقدام کند. برای کاهش ناحیه‌ی پنهان معلم و دانش‌آموز در فضای کلاس توجه به این نکات لازم است:

● برای کاهش ناحیه‌ی پنهان، معلم نقش الگویی دارد؛ لذا لازم است به‌عنوان الگو به خودافشایی بپردازد و از وسعت ناحیه‌ی پنهان خویش بکاهد. برخی از معلمان حتی از افشای نام کوچک خود

خودداری می‌کنند و این پیام مهم را به دانش‌آموزان می‌دهند که ناحیه‌ی پنهان خود را گسترش دهند.

● بیشترین فشار روانی و مقاومت در افراد به‌خاطر حفظ ناحیه‌ی پنهان است. در صورتی که بخش پنهان معلم و دانش‌آموزان در روابط کاهش یابد، افراد انرژی روانی زیادی برای رشد و توسعه‌ی خویشتن کسب می‌کنند.

● گاهی به این دلیل دانش‌آموزان به پنهان‌کاری روی می‌آورند که ترس از قضاوت‌های نادرست دیگران دارند. بهتر است معلم به دانش‌آموزان یاد دهد از قضاوت کردن دیگران بپرهیزند.

● معلم باید از فشار بیش‌ازحد بر دانش‌آموزانی که به پنهان‌کاری می‌پردازند خودداری کند و در صورتی که دانش‌آموزی در مورد موضوعی مقاومت می‌کند، از اصرار کردن خودداری کند تا خود دانش‌آموز پس از آمادگی و با میل و رغبت به خودافشایی بپردازد.



● تشویق دانش‌آموزان به خاطره‌نویسی و شرح زندگی خود موجب کاهش ناحیه‌ی پنهان در آنان می‌شود.

● برخورد با دانش‌آموزانی که در کلاس درس به تمسخر دیگران یا ویژگی‌های خاص اقوام و افراد می‌پردازند موجب کاهش ناحیه‌ی پنهان دانش‌آموزان می‌شود.

● ترویج فعالیت‌های گروهی اعم از آزمون‌های گروهی، تکلیف‌های گروهی و... در کلاس درس موجب کاهش ناحیه‌ی پنهان و توسعه‌ی ناحیه‌ی باز دانش‌آموزان می‌شود.

بخش چهارم: ناحیه‌ی ناشناخته

ناحیه‌ی ناشناخته عبارت‌اند از اطلاعات، احساسات، توانایی‌های نهفته، استعدادها و تجربه‌هایی که هم برای فرد و هم برای دیگران ناشناخته‌اند. این امور ناشناخته شامل احساسات، رفتارها، توانایی‌ها و نگرش‌های مثبت و منفی و حتی جنبه‌های عمیق‌تری

از شخصیت فرد؛ نظیر ترس‌ها، اضطراب‌ها، احساسات ناخودآگاه یا سرکوب‌شده می‌شوند.

کشف استعداد‌های پنهان و ناشناخته یکی دیگر از جنبه‌های کاهش ناحیه‌ی ناشناخته است. مهیا کردن شرایط برای افراد به‌منظور تجربه‌ی چیزهای جدید، بدون اینکه به آن‌ها برای موفق‌شدن فشار آورده شود، معمولاً یک روش مفید برای کشف توانایی‌های ناشناخته و در نتیجه کاهش ناحیه‌ی ناشناخته است.

معلم از طریق خلق محیطی که افراد را به خودافشایی، مشاهده‌ی ساختارمند خویشتن، ارائه‌ی بازخورد و کسب تجربه‌های جدید تشویق می‌کند، می‌تواند به کاهش ناحیه‌ی ناشناخته کمک کند. البته ناحیه‌ی ناشناخته همانند ناخودآگاه ناحیه‌ای است که برای دستیابی به آن لازم است فرد وقت و فرصت زیادی را به خودآزمایی و خودشناسی اختصاص دهد و احساسات و نیازهای سرکوب‌شده‌ی خود را از طریق دریافت بازخوردهای متعدد از دیگران و مطالعه‌ی خویشتن موردشناسایی قرار دهد. برای رسیدن به چنین جایگاهی، گاهی لازم است چندین سال متوالی فرد به تمرین و ممارست بپردازد یا تحت درمان‌های روان‌کاوی قرار گیرد.

سخن پایانی

بسیاری از آموزه‌های تربیتی و فرهنگی مستلزم تعامل و ارتباط سالم بین معلم و دانش‌آموزان است. پنجره‌ی روابط الگویی است که می‌تواند به معلمان در افزایش تعاملات بیشتر در کلاس درس کمک کند و رشد و توسعه‌ی فردی آنان و دانش‌آموزانشان را افزایش دهد و تغییرات تربیتی ارزنده‌ای را در رفتار و شخصیت دانش‌آموزان به وجود آورد. مسلماً کارایی و کیفیت یادگیری دانش‌آموزان، به‌ویژه یادگیری‌های گروهی، در پرتو چنین تعاملاتی نیز افزایش می‌یابد و خلاقیت و توانمندی دانش‌آموزان نیز به منصفی ظهور خواهد رسید. البته برای رسیدن به چنین جایگاهی لازم است ابتدا معلم ظرفیت وجودی خویش را افزایش دهد تا نگران کاهش ناحیه‌های پنهان و کور شخصیت خویش نباشد و با بسترسازی لازم و از طریق فنون مطرح‌شده، ترتیبی اتخاذ کند که خودآگاهی دانش‌آموزانش افزایش یابد و به جای خودمحموری، فعالیت و یادگیری گروهی در کلاس درس و همچنین شخصیت اجتماعی دانش‌آموزان رشد کند.



تلنگر

نقش معلم



یوسف بابازاده
مدیر دبستان و مدرس
دانشگاه فرهنگیان سلماس

معلم مهم‌ترین رکن بی‌بدیل آموزش است که با چیزی قابل‌مقایسه نیست. به عبارت دیگر هیچ چیز نمی‌تواند جای او را در نظام آموزشی بگیرد. در فصل اول سند تحول بنیادین با عنوان «بیانیه‌ی ارزش‌ها» به اهمیت این جایگاه اشاره شده و چنین آمده است: «نقش معلم به‌عنوان هدایت‌کننده و اسوای امین و بصیر در فرایند تعلیم و تربیت و مؤثرترین عنصر در تحقق مأموریت‌های نظام تعلیم و تربیت رسمی کشور، از اهمیتی بسزا برخوردار است.»

دوران مدرسه زمان طلایی کشف و شناسایی افراد مستعد و استعدادهای متعدد است. به سبب همین ویژگی یعنی کشف استعدادهای و پرورش آنهاست که در نظام آموزش و پرورش، مدرسه و معلم در گسترش نظام نخبگانی کشور نقش کلیدی پیدا می‌کنند. ضعف و نقص در این حلقه چنان تأثیر منفی در سایر نظام‌ها از جمله آموزش عالی، نظام‌های پژوهشی، علمی، فناوری و صنعتی می‌گذارد که جبران‌پذیر نیست. از این‌رو، معلمان و مربیان باید تمام همت و تلاش خود را در شناسایی افراد مستعد و استعدادهای ذاتی و هدایت و پرورش آنها به کار گیرند. مدرسه‌ها نیز باید به معلمان و مربیان توانمند و نخبه‌مأموریت‌هایی خاص در این حوزه محول کنند و زمینه‌های لازم را برای تلاش آنها در این بستر فراهم سازند. هدف کلی آموزش و پرورش را می‌توان شناخت

استعدادهای و علایق دانش‌آموزان و ایجاد زمینه‌ی مساعد برای هدایت آنان به مسیرهای تحصیلی مناسب دانست. از مهم‌ترین وظایف معلمان نیز فراهم آوردن شرایط لازم برای به‌فعلیت درآمدن این استعدادهای نهفته و بهبود برخی از نقاط ضعف دانش‌آموزان با استفاده از این قابلیت‌ها و ظرفیت‌هاست. نقش و اهمیت معلم در این فرایند انکارناپذیر است و تأثیر ماندگاری در شخصیت دانش‌آموزان دارد. ذکر خاطره‌ای از خاطرات دوران معلمی درباره‌ی این موضوع مؤثر و به‌یادماندنی است. امیدوارم مورد استفاده‌ی همکاران ارجمند قرار گیرد.

در سال تحصیلی ۱۳۸۹-۱۳۸۸، در شهرستان شوط بعد از چندین سال مدیریت، شروع به تدریس در پایه‌ی چهارم ابتدایی در یکی از مدرسه‌های شهری کردم. بعد از یک ماه تدریس تقریباً برخی از خصوصیات، توانمندی‌ها، ویژگی‌ها و استعدادهای دانش‌آموزان در کلاس درس و از طریق جلسات تعاملی که با اولیای آنها داشتیم برایم مشخص شده بود. متناسب با تفاوت‌های فردی و استعدادهای آنها که شناخته



و سرود مدرسه شرکت نمی‌کنی؟! پس از صحبت و مشاوره و زمینه‌سازی‌های لازم، او را در مسابقات اذان مدرسه ثبت‌نام کردم. با معاون پرورشی آموزشگاه هم هماهنگی لازم را انجام دادم. این دانش‌آموز در آذرماه در مسابقات اذان مدرسه‌ای مقام اول و در دی‌ماه در مرحله‌ی شهرستان مقام سوم را کسب کرد. این موفقیت‌ها عاملی برای پیشرفت وی در سایر درس‌ها و فعالیت‌های آموزشی وی شد، طوری که در پایان سال تحصیلی جزو نفرات ممتاز درسی شده بود و سال‌های بعد هم در مسابقات پرورشی جزو نفرات منتخب بود. حالا چندین سال از آن زمان می‌گذرد و او دانشجوی سال سوم دانشگاه فرهنگیان و از دانشجویان موفق است.

نکته‌ی کاربردی: دانش‌آموز لب مرز همه‌ی امیدش معلم است. معلم می‌تواند با کشف استعدادها و هدایت آن‌ها به زمینه‌های مطلوب و حتی با یک لیخند ساده دانش‌آموزی را برای سال‌ها واکسینه یا با رفتاری ناپسند و از سر ناآگاهی او را از مسیر دور کند.

بودم، آموزش و تدریس را طرح‌ریزی کردم. سعی‌ام این بود که کلاسی پویا، فعال، دانش‌آموزمحور و شاداب داشته باشم. در این میان دانش‌آموزی بود که پدرش را از دست داده بود. به‌خاطر همین در اکثر درس‌ها نمراتش رضایت‌بخش نبود و عملکرد ضعیفی داشت. راهکارهایی که اتخاذ کرده بودم نتیجه‌ی مطلوبی نداشتند، از جمله صحبت با مدیر، مادر و عمومی دانش‌آموز، تشویق، برجسته‌کردن کارکردها و نقاط قوت وی و... به‌طور اتفاقی یک روز که در زنگ تفریح در حیاط مدرسه از مقابل کلاسی رد می‌شدم، آوازی دل‌انگیز توجه من را به خود جلب کرد. حواسم را متمرکز کردم و از شیشه‌ی پنجره نگاه کردم. دیدم همان دانش‌آموز چند نفری را دور خودش جمع کرده است و برای آن‌ها آهنگ می‌خواند.

روز بعد دانش‌آموز نامبرده را به دفتر مدرسه فرا خواندم. صدا و استعدادش را تحسین کردم و از قابلیت‌ها و توانمندی‌های بالقوه‌اش با او صحبت کردم و به او گفتم: «شما که این‌قدر استعداد و صدای خوب و دلنشین داری، چرا در مسابقات اذان، قرآن

کاغذتایی (اوریگامی)

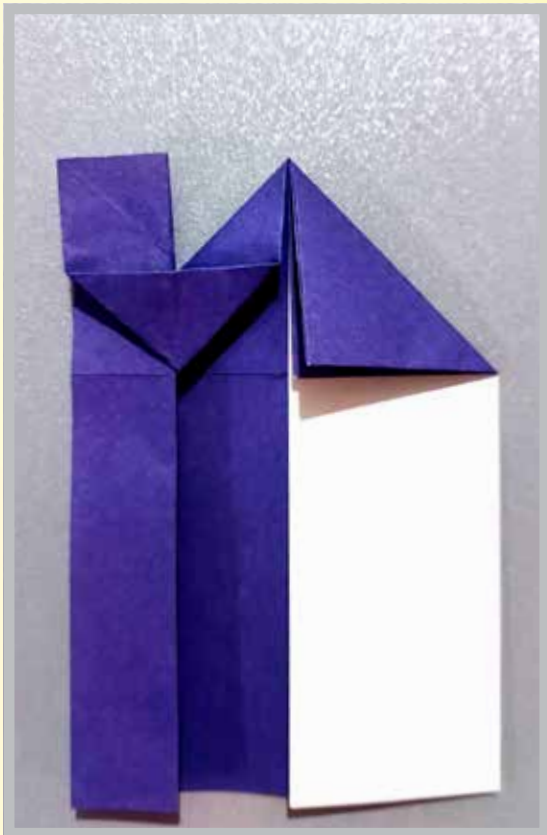
آموزش ساخت خانه

آزاده فرزادپور



آموزگار پایه‌ی ششم ابتدایی، استان خراسان شمالی

کاغذتایی نو (اوریگامی مدرن)، در چند سال اخیر، از سال ۱۹۵۰ میلادی به بعد، با انتشار کتاب‌های آقای آکیرا یوشیزاوا، استاد کاغذتایی ژاپن، نوزایی (رنسانس) خودش را شروع کرد. اعتبار آکیرا یوشیزاوا در نقشی است که او در رشد کاغذتایی ایفا و آن را به‌مثابه‌ی هنر زندگی معرفی کرده است. چینی‌ها کاغذتایی را سده‌ها پیش ابداع کردند؛ اما شکوفایی و رشد آن، در قرن ششم میلادی، در ژاپن صورت گرفت، تا آنجا که به گوشه‌ای از فرهنگ این کشور تبدیل شد. با همه‌ی این احوال، جهانیان زمانی به‌طور گسترده با کاغذتایی آشنا شدند که آکیرا یوشیزاوا پیشرفت‌های جدید و وسیعی را در این عرصه به وجود آورد. بنا به برآورد خود او در سال ۱۹۸۹، تا آن سال بیش از ۵۰ هزار مدل کاغذتایی ساخته بود که فقط چند صد طرح از آن‌ها در ۱۸ کتاب او ارائه شده‌اند. آکیرا یوشیزاوا در ابداع بسیاری از فنون متعدد کاغذتایی پیشگام است؛ مانند فن کاغذتایی مرطوب که او سهم بسزایی در ایجاد آن داشته است.



۱
به یک کاغذ مربع‌شکل نیاز داریم که رنگ پشت و روی آن متفاوت باشد. کاغذ را نخست از وسط، یک‌بار به‌صورت عمودی و بار دیگر به‌صورت افقی، تا می‌زنیم. سپس تا را باز می‌کنیم، طوری که خط تا به‌صورت علامت بعلاوه در وسط دیده شود.



۲
نیمه‌ی بالایی کاغذ را به‌صورت افقی از وسط به سمت داخل تا می‌زنیم، طوری که لبه‌ی کاغذ روی خط تایی وسط قرار بگیرد.

مراحل ساخت خانه

به روش کاغذتایی (اوریگامی)



۷

مربع رنگی را به سمت بالا تا می‌زنیم.



۳

کاغذ را برمی‌گردانیم. نیمه‌ی سمت چپ را از وسط به صورت عمودی تا می‌زنیم، به گونه‌ای که لبه‌ی کاغذ روی خط تایی وسط قرار بگیرد.



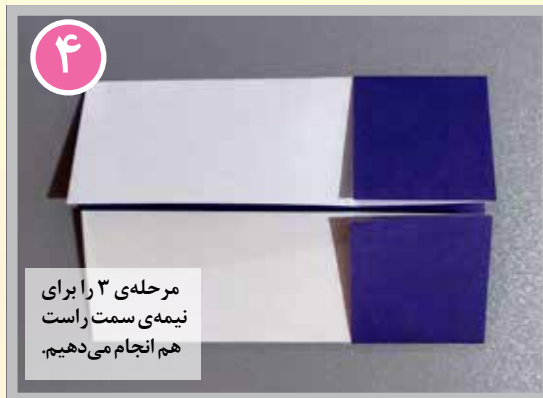
۸

تای سمت چپ را به صورت عمودی از وسط به سمت لبه‌ی بیرونی کاغذ تا می‌زنیم، طوری که لبه‌ی وسط روی لبه‌ی بیرونی قرار بگیرد.



۴

مرحله‌ی ۳ را برای نیمه‌ی سمت راست هم انجام می‌دهیم.



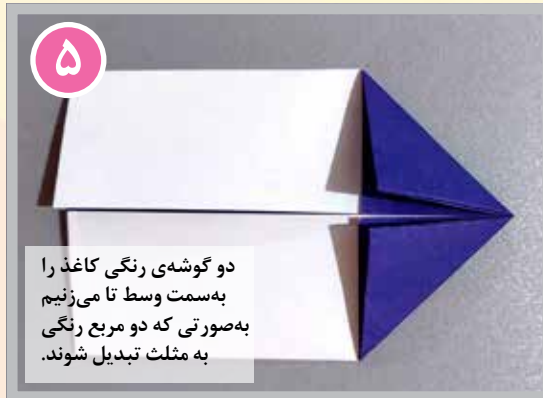
۹

مثلثی را که در وسط ایجاد می‌شود به سمت پایین می‌کشیم و تایی آن را محکم می‌کنیم.



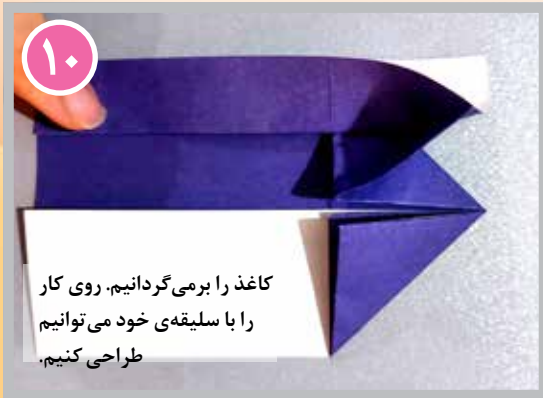
۵

دو گوشه‌ی رنگی کاغذ را به سمت وسط تا می‌زنیم به صورتی که دو مربع رنگی به مثلث تبدیل شوند.



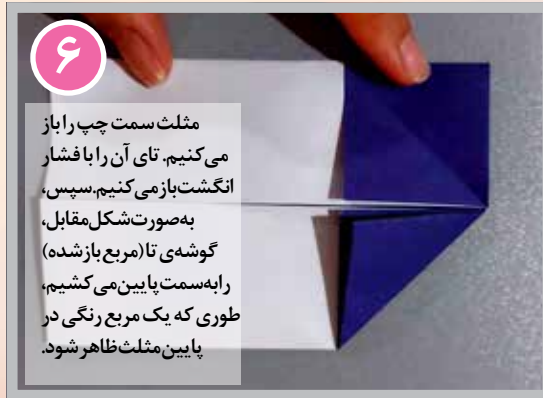
۱۰

کاغذ را برمی‌گردانیم. روی کار را با سلیقه‌ی خود می‌توانیم طراحی کنیم.



۶

مثلث سمت چپ را باز می‌کنیم. تایی آن را با فشار انگشت‌باز می‌کنیم. سپس، به صورت شکل مقابل، گوشه‌ی تا (مربع باز شده) را به سمت پایین می‌کشیم، طوری که یک مربع رنگی در پایین مثلث ظاهر شود.



مختصات طراحی



سعیده مشگینی

پژوهشگر بنیاد تعلیم و تربیت برهان

مسئله محور را بهتر بشناسیم و هم با ایده‌های ساده و خلاقانه‌ای که می‌توانند به راحتی مبنای یک طرح درس به روش مسئله محور باشند آشنا شویم.

همان طور که گفتیم نمونه‌ی انتخاب شده برای آموزش مفهوم مختصات طراحی شده است. معلم برای این کار ابتدا ذهن دانش آموزان را به مفهوم اندازه گیری حساس و بعد از آن، با بیان علت نیازمندی به محورها و مبدأ، مختصات را به مسئله‌ی دانش آموز تبدیل کرده است.

در فرایند اجرای این طرح درس معلم، از قبل، دانش آموزان را درگیر مسئله‌ی زیبایی و مرتب بودن کلاس درس کرده بود و بچه‌ها به عنوان یکی از راهکارهای این مسئله، جمع اطلاعات، نوشته‌ها و نقاشی‌های چسبانده شده به دیوارهای کلاس را، در یک قسمت از هر دیوار پیشنهاد داده بودند. حالا معلم به همراه خود دو تابلو (قاب) پارچه‌ای به کلاس آورده است. وی از دانش آموزان می‌خواهد دو گروه شوند و برای نصب تابلوها روی دو دیوار مقابل یکدیگر پیشنهاد بدهند، به گونه‌ای که هم نظم بصری در کلاس ایجاد شود و هم به عنوان تابلو

تا اینجا درباره‌ی نوشتن طرح درس به روش مسئله محور صحبت کردیم. اجزای گوناگون بوم طراحی طرح درس را نیز با این روش، در شماره‌ی قبل، مفصل توضیح دادیم. طبق قرارمان در این شماره یک طرح درس مسئله محور را که شما طراحی کرده‌اید با هم بررسی می‌کنیم؛ اما قبل از شروع، یک بار دیگر خیلی سریع بخش‌های بوم را با هم مرور می‌کنیم.

۱. مسئله؛ در نخستین گام، باید توجه داشته باشیم حتماً مسئله‌ی دانش آموز مبنای طراحی باشد نه مسئله‌ی معلم.

۲. پیامد مسئله؛ باید دقت کنیم که اگر این مسئله حل نشود، چه اثراتی از جنس فرصت و مشکل در پی خواهد داشت؟

۳. اهداف؛ در این مرحله هدف‌های آموزشی و تربیتی پوشش داده شده در طرح درس که به عبارتی علت طراحی این طرح درس محسوب می‌شود، مورد توجه قرار می‌گیرد.

۴. شیوه‌ی درگیر کردن مخاطب؛ در این فرایند معلم باید تلاش کند مسئله‌ی انتخاب شده به مسئله‌ی دانش آموز تبدیل شود.

۵. فرایند اجرا؛ در این مرحله باید صفر تا صد اقدامات مورد نیاز برای انجام این فعالیت تا زمانی که اهداف مدنظر در بخش سوم محقق شوند، بیان شود.

۶. ارزشیابی؛ بر اساس اهداف تعیین شده در بخش سوم، روش ارزشیابی باید بر اساس تحقق یا عدم تحقق آن اهداف طراحی شود. مخاطب طرح درس هم در هر طراحی با توجه به پایه و جنسیت ذکر می‌شود.

اکنون به سراغ طرح درسی می‌رویم که خانم معصومی، معلم پایه‌ی ششم دبستان شهید هیذخ تهران، برای فصل چهار کتاب ریاضی یعنی مبحث «مختصات» طراحی کرده‌اند تا هم اجزای گوناگون یک طرح درس





بوم ایده پردازی

طرح درس چیست؟ و چطور نصب تابلوها روی دیوار که مسئله‌ی معلم است، به مسئله‌ی دانش‌آموزان تبدیل می‌شود؟ با راهکار معلم در «فرایند درگیر کردن» دانش‌آموزان در اهمیت وجود و نصب صحیح تابلوها در کلاس که از قبل اتفاق افتاده است. معلم قبلاً با مهم جلوه‌دادن نظم و زیبایی کلاس برای دانش‌آموزان، به راه‌حل وجود تابلوی اعلانات رسیده است و حالا با ایجاد مسئله‌ی جدید، یعنی چگونگی درست نصب کردن تابلو، به راه‌حل جدید باید رسید.

اگر این تابلو درست نصب نشود، چه اتفاقی می‌افتد؟ همان مسئله‌ی نخستین همچنان پابرجا خواهد بود؛ یعنی مرتب‌بودن کلاس محقق نمی‌شود. احتمالاً نصب اشتباه خودش باعث درهم‌ریخته‌تر به نظر رسیدن کلاس می‌شود. اگر دست همه به تابلو نرسد، باز هم دیوارهای کلاس پر از برگه خواهد شد و ... این‌ها همه همان پیامد مسئله‌اند که در صورت حل‌نشدن مسئله، دانش‌آموز با آن روبه‌رو خواهد شد.

هدف طراحی این طرح درس، همان‌طور که گفته شد، آموزش مختصات درس ریاضی بود که می‌توان آن را با بعضی از سرفصل‌های درس اجتماعی تلفیق کرد. فرایند اجرا و مخاطب هم در بالا اشاره شد.

شیوه‌ی درگیر کردن مخاطب در این طرح درس، در یک فرایند از روز یا هفته‌ی قبل، می‌تواند طراحی شود؛ یعنی در طی زمانی که دانش‌آموزان به‌قدر کافی به محیط اطرافشان حساس شده‌اند. فرصت کافی برای انجام راه‌حل پیشنهادی (در این مثال تهیه‌ی تابلو پارچه‌ای) نیز باید لحاظ شود. حتی در صورت امکان می‌شود مراحل تهیه‌ی همین تابلو، به‌عنوان مسئله‌ی جدید در کلاس، انجام شود. بدین ترتیب سرفصل‌های دیگری از کتاب نیز با انجام این کار پوشش داده می‌شود.

روش ارزشیابی معلم در این طرح درس، همان نصب صحیح تابلو هر گروه در مرکز دیوار است که نتیجه‌ی نهایی درستی از آن حاصل شده است.

در سطح‌های طراحی برنامه‌ی درسی به‌روش مسئله‌محور، این طرح درس در سطح دو قرار می‌گیرد. اگر می‌خواهید بدانید که این سطح‌ها چه هستند و از کجا آمده‌اند و آمدنشان بهر چه بود، در شماره‌ی بعدی برایتان بیشتر خواهیم گفت.

توجه داشته باشید همچنان این فرصت برای شما فراهم است که فعالیت‌های طراحی‌شده‌ی مسئله‌محورتان را برای انتشار در مجله به دست ما برسانید. البته با در نظر گرفتن این نکته که برای فرستادن شرح فعالیت‌هایتان، تعریف دقیق مسئله، شیوه‌ی درگیر کردن بچه‌ها با مسئله، وجود اهداف آموزشی روشن و فرایند اجرای کار اهمیت دارد.

اعلانات کلاس از آن‌ها استفاده شود. در طی پیدا کردن راه‌حل با رهبری معلم، دانش‌آموزان به این نتیجه می‌رسند که برای اطمینان از قرار گرفتن هر دو تابلو در مرکز دیوار و روبه‌روی هم بودنشان و همچنین انتخاب فاصله‌ی مناسب از زمین، طوری که دست همه‌ی دانش‌آموزان به تابلو برسد، به روش دقیق اندازه‌گیری نیاز دارند.

در نهایت، با هم‌فکری یکدیگر تصمیم می‌گیرند که از یکی از گوشه‌های دیوار، مماس با زمین، هر دو دیوار را اندازه بگیرند. سپس اندازه‌ی به‌دست‌آمده را نصف کنند و این‌گونه نقطه‌ی مرکزی دیوار را از جهت افقی پیدا کنند. حالا برای پیدا کردن نقطه‌ی مرکزی از جهت عمودی، باید از نقطه‌ی پیدا شده‌ی افقی خطی عمود به سمت بالا روی دیوار فرض کنند. در این حالت تصور دانش‌آموزان از بُردار ایجاد می‌شود که یک محور عمودی دارد و یک محور افقی. حالا با پیدا کردن نقطه‌ی تلاقی محور عمودی و افقی به یک نقطه‌ی کانونی می‌رسند که مبدأ مختصات ما می‌شود.

دوباره به بوم مسئله‌محوری برگردیم. مسئله‌ی این



همراه با مجلات رشد کودک، نوآموز و دانش آموز



محمد رضا رشیدی

عضو شورای برنامه ریزی مجلات رشد دانش آموزی

درس‌ها و مفاهیمی که در قصه‌درس‌های دی‌ماه مجلات کودک، نوآموز و دانش آموز استفاده شده است، بدین شرح است:

مجله‌ی رشد نوآموز ۴

نام قصه‌درس: هدیه‌ی تولد زهره

خلاصه‌ی قصه: طاهره تصمیم می‌گیرد برای تولد نه‌سالگی دوستش، زهره، پارچه‌ی سفیدی را هدیه ببرد. پارچه‌ی سفید را داخل کیفش می‌گذارد و راه می‌افتد. در راه ستاره‌ای می‌خواهد تا او را هم با خودش ببرد. خورشید چند خوشه‌ی طلایی به او می‌دهد. ماهی‌ها و گل‌ها نیز به او پولک و گلبرگ می‌دهند تا برای جشن تولد همراه خود ببرد. وقتی طاهره به خانه‌ی زهره می‌رسد پارچه‌ای را که حالا پر از پولک، گلبرگ‌های رنگارنگ، خوشه‌های طلایی و ستاره شده است، روی سر زهره می‌اندازد و...

مفاهیمی از کتاب‌های درسی که در قصه آمده است:

● علوم پایه‌ی دوم، فصل هفتم، «اگر تمام شود»، صفحه‌ی ۵۷؛

● ریاضی پایه‌ی دوم، فصل سوم، «شکل‌های هندسی»، صفحه‌ی ۳۷؛

● علوم پایه‌ی سوم، درس هفتم، «آینه‌ها»، صفحه‌ی ۵۶؛

● اجتماعی پایه‌ی سوم، درس دهم، «تیا‌های خانواده (شغل، درآمد و پول)»، صفحه‌ی ۳۰.

ارتباط محتوایی / موضوعی قصه‌درس با قسمت‌های گوناگون مجله:

● کاردستی: چسبانه‌ی (کلاژ) پارچه؛

● علمی: اهمیت تنظیم ساعت خواب و بیداری.

مجله‌ی رشد کودک ۴

نام قصه‌درس: امروز بهار شدم

خلاصه‌ی قصه: ابتدا قصه‌ی «امروز بهار شدم» برای بچه‌ها خوانده می‌شود. در این قصه دختر بچه‌ای اولین روسری خود را که پر از شکوفه‌های رنگارنگ است روی سرش می‌اندازد و... سپس در فعالیتی بچه‌ها با استفاده از رنگ‌های گوناگون و قلم‌مو یا پنبه یا ابر تشویق می‌شوند روی پارچه‌ای سفید نقاشی‌های رنگارنگ بکشند.

صفحات کتاب‌های درسی که در قصه آمده است:

● ریاضی اول، درس دوم، «الگویابی»، صفحه‌ی ۱۲؛

● آموزش قرآن اول، درس سوم، «خانه‌ی ما»، صفحه‌ی ۳۱.

ارتباط محتوایی / موضوعی قصه‌درس با قسمت‌های گوناگون مجله:

● کاردستی: درست کردن گل؛

● محیط زیست: ایران، چهار فصل؛

● علمی: آزمایش تفاوت جذب نور در پارچه‌ی تیره و روشن.



مجله‌ی رشد دانش آموز ۴

نام قصه‌درس: مرد میدان

خلاصه‌ی قصه: اسماعیل، رزمی‌کار با اخلاق قصه، این بار در تشییع پیکر پاک شهید سلیمانی شرکت می‌کند و به ابعاد گوناگون خدمات سردار در جبهه‌ها، حضور در بحران‌های سیل و زلزله و... می‌اندیشد و بعد خود به‌عنوان یک قهرمان در مسجد به جمع‌آوری کمک‌های مردمی برای زلزله‌زدگان می‌پردازد و تصمیم می‌گیرد تا به‌صورت جهادی از طرف مسجد به منطقه‌ی زلزله‌زده برود و آنجا برای بچه‌هایی که از درس عقب‌افتاده‌اند درس‌هایی را آموزش دهد که با توجه به محل زندگی‌شان و وضعیت موجود، به دردشان بخورد و...

مفاهیمی از کتاب‌های درسی که در قصه آمده است

- علوم پایه‌ی چهارم، درس چهارم، «انرژی الکتریکی»، صفحه‌ی ۲۷؛
- علوم پایه‌ی چهارم، درس ششم، «سنگ‌ها»، صفحه‌ی ۴۷؛

- فارسی پایه‌ی چهارم، درس هفتم، «مهمان شهر ما (فکر محور تلاش)»، صفحه‌ی ۶۵؛
- علوم پایه‌ی پنجم، درس‌های هشتم و نهم، «کارها آسان می‌شود»، صفحه‌ی ۶۱ تا ۷۶؛
- هدیه‌های آسمانی پایه‌ی پنجم، درس دهم، «در ساحل دجله»، صفحه‌ی ۷۲.

ارتباط محتوایی / موضوعی قصه‌درس با قسمت‌های گوناگون مجله:

- علمی: معماری ضد زلزله توسط مهندسان ایرانی؛
- کاردستی: ساخت چراغ مطالعه؛
- قصه: سردار سلیمانی؛
- طرح روی جلد: سردار سلیمانی؛
- سرگرمی: بازی‌های خانوادگی برای شب یلدا؛
- کاردستی: درست کردن ظرف برای دانه‌های انار شب یلدا.



صحنه‌ی زندگی



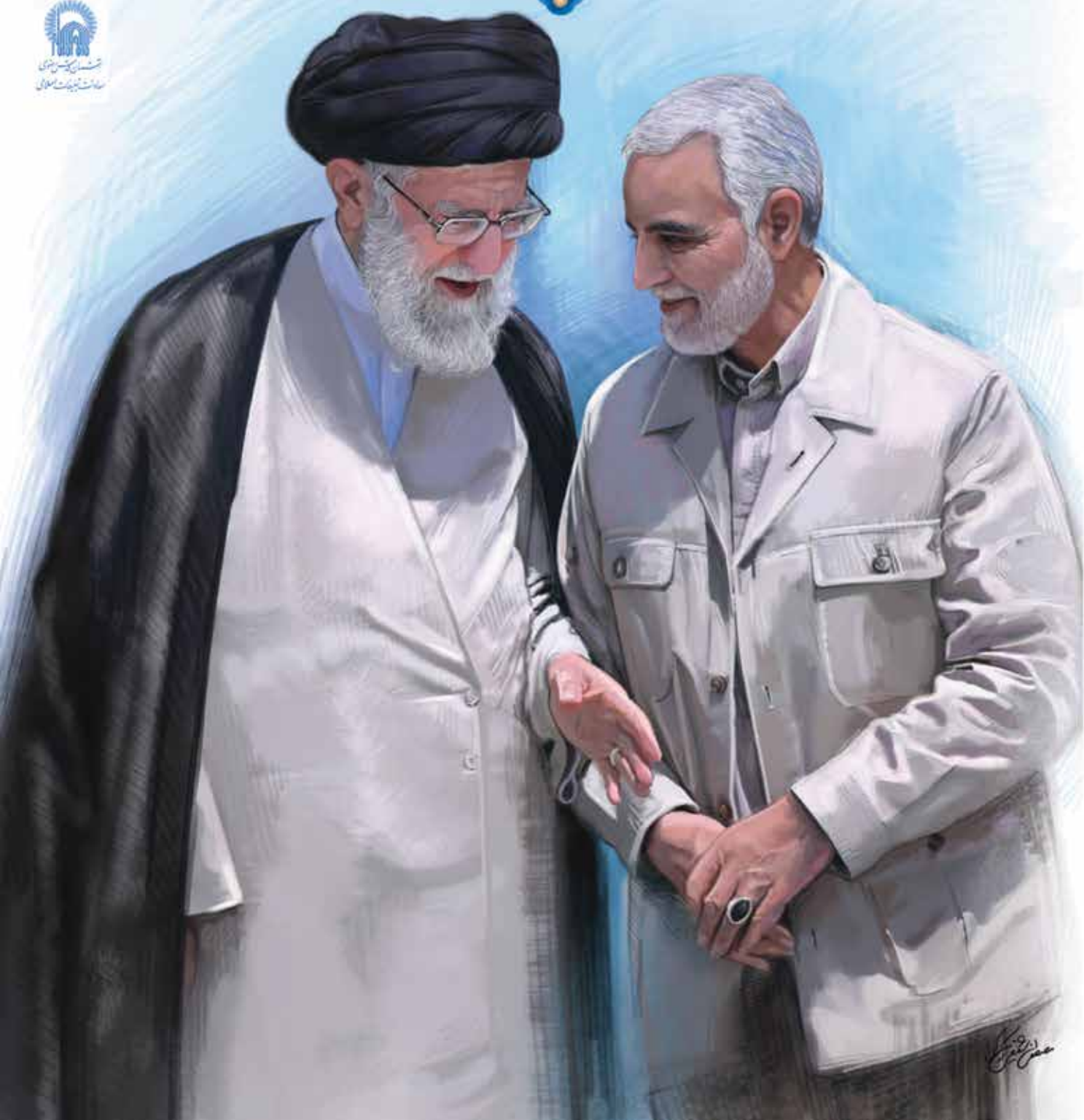
اعظم لاریجانی

چگونه فعالیت‌های آموزشی برخی از معلمان یادگیری را عمیق‌تر می‌کنند و در ارتقای مهارت تفکر دانش‌آموزان مؤثر واقع می‌شوند؟ چگونه بعضی از معلمان مدام با تغییر از نقشی به نقش دیگر کلاس را بانشاط نگاه می‌دارند؟ آن‌ها چگونه دانش‌آموزان را برای یادگیری تحریک و در پی آن تشویق می‌کنند؟ و در نهایت چگونه آن‌ها، تا این اندازه، موفق‌اند؟

این دسته از معلمان به‌خوبی می‌دانند جمع‌آوری اطلاعات به کار نخواهد آمد، مگر اینکه آن اطلاعات با روش‌های گوناگون پردازش شوند. به همین دلیل مسیر یاددهی آن‌ها مسیری مدور است. گاهی اوست و دانش‌آموزانش و چشم در چشم آن‌ها به ایفای نقش می‌پردازد. گاه کنار می‌ایستد و فقط نقش ناظری را دارد که به تعامل و مشارکتی که به دانش‌آموزانش آموخته است، می‌نگرد. گاهی با در اختیار گذاردن منابع متنی یا تصویری به آن‌ها می‌آموزد که چگونه خود به تنهایی از محتوا بهره‌مند شوند. معلمان با این سه نوع تعامل به دنبال فرصتی هستند تا دانش‌آموزان به آنچه آموخته‌اند، بیندیشند و یاد بگیرند چگونه اطلاعات را ترکیب و ادغام کنند. اینجاست که دانش‌آموزان فکر نمی‌کنند چیزی خارج از دلخواهشان به آن‌ها تحمیل شده است؛ زیرا کلاس برایشان موقعیتی مثل زندگی واقعی است. در زندگی واقعی نیز آن‌ها مسیرهای متفاوت را می‌پیمایند، می‌پرسند، به پرسش‌ها پاسخ می‌دهند. حس می‌کنند، می‌اندیشند، می‌بینند، مشارکت و گفت‌وگو می‌کنند و با تجربه‌ی لذت و هیجان همراه می‌شوند. باز خورد عاطفی می‌گیرند. شکست می‌خورند. پیروز می‌شوند و در نهایت درک می‌کنند. در چنین کلاسی هیچ‌کس نمی‌تواند منفعل بماند.



رفیقِ خوشبختی ما



مهرزاد علیزاده



از کلیه معلمان، دانش‌آموزان، دانشجویان، شرکت‌های دانش‌بنیان، مؤسسات علمی و آموزشی و مجموعه‌های دولتی و غیردولتی فعال در تولید محتوای الکترونیکی، انجمن‌های مردم‌نهاد، تشکل‌های مردمی و فعالان عرصه تعلیم و تربیت دعوت می‌شود جهت کسب اطلاعات بیشتر و ثبت‌نام به پایگاه اینترنتی www.ecf.roshd.ir مراجعه نمایند.

شمارهٔ محتوای الکترونیک رشد یا زهمیه دورهٔ تولید محتوا

سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی با هدف بهره‌گیری از ظرفیت‌ها و قابلیت‌های محیط‌های مجازی و رسانه، در نظر دارد «یازدهمین دورهٔ جشنوارهٔ ملی تولید محتوای الکترونیکی رشد» را در راستای شناسایی تولیدکنندگان محتوای الکترونیکی و تامین محتوای الکترونیک مورد نیاز بسته‌های تربیت و یادگیری و غنی‌سازی کتاب‌های درسی تمامی دوره‌های تحصیلی برگزار نماید.

آثار برگزیده علاوه بر دریافت جوایز نقدی در شبکه ملی مدارس (رشد) منتشر خواهد شد. همچنین آثار منتخب در صورت تایید گروه‌های برنامه‌ریزی درسی به عنوان رمزینه پاسخ سریع کتاب‌های درسی در دسترس قرار خواهد گرفت.

قالب‌های محتوایی:
ویدئو آموزشی
گرافیک متحرک (موشن گرافی)
پویانمایی (انیمیشن)
محتوای صوتی و پادکست
برنامه کاربردی (اپلیکیشن) اندرویدی
بازی‌های تعاملی
تصویرهای سه‌بعدی
واقعیت افزوده
واقعیت مجازی

مهلت ارسال آثار: ۲۳ مهرماه لغایت ۱۵ آذر ۱۴۰۱

تا ۱۵ دی تمدید شد



www.ecf.roshd.ir @roshtecf



جهت دریافت دستورالعمل و ورود به پایگاه اینترنتی جشنواره از طریق رمزینه پاسخ سریع، اقدام نمایید.